

صداق جنگیم

وامردیم و از جنگ نمی‌ترسیم
امام خمینی (ره)



جنگ امروز نظم جهانی را دگرگون می‌کند

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۲۳۰ | دوشنبه ۲۵ اسفند ۱۴۰۴ | ۲۶ رمضان ۱۴۴۷ | ۱۶ مارس ۲۰۲۶ | ۱۰ صفحه | نسخه الکترونیکی

۲ نگاه	سید حسین خاتمی خوانساری	۶ دیدگاه	دکتر عباس سلیمی نمین	۷ دیدگاه	حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی وافی
۳ دیدگاه	مستولان در میدان	۳ دیدگاه	بصیرت در بزنگاه‌های تاریخی	۳ دیدگاه	صریح، شجاعانه و امیدآفرین

تداوم انقلاب اسلامی بارهبری سوم

بن بست جنگ سردرگم! تنگه هرمز

بازنده بزرگ

ترامپ، گرفتار چهار نوع غافلگیری



بیش از دو هفته از تجاوز آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران می‌گذرد و اختلافات در درون ساختار قدرت در آمریکا بیشتر می‌شود. دولت تاکنون دو جلسه استماع برای نمایندگان کنگره برگزار کرده؛ ولی نتایج این جلسات اوضاع را بدتر کرده است. در این جلسات آنها متوجه شدند که ایران هیچ برنامه‌ای برای حمله به نیروهای آمریکایی نداشته است و آمریکا در رسیدن به اهدافش شامل تغییر در ساختار قدرت و ایجاد شورش در کف خیابان‌ها موفق نبوده است و حالا آمریکا نمی‌داند چه کاری در ادامه باید انجام دهد. بخشی از اعضای کنگره معتقدند که آمریکا وارد یک جنگ پرهزینه و بی‌پایان شده است. مسئله دیگری که به آن پرداخته شده، حمله عامدانه آمریکا به مدرسه شجره طیبه در میناب است که اعتراضات گسترده‌ای را در داخل رسانه‌های آمریکا به همراه داشته است. به خصوص بعد از آنکه رسانه‌هایی مانند سی‌ان‌ان، رویترز و الجزیره به صورت مستند ثابت کردند این اقدام عمدی بوده است و به نظر می‌رسد طبق معمول ساختار به این سمت می‌رود که مسئله از طریق قربانی کردن پیش برود و بار دیگر آمریکا از زیر بار مسئولیت جنایت شانه خالی کند.

شاید مهم‌ترین دغدغه جامعه آمریکا افزایش قیمت بنزین است که به دنبال بسته شدن تنگه هرمز قیمت بنزین در آمریکا حداقل ۲۵ درصد افزایش یافته است؛ ترامپ ابتدا سعی کرد با عملیات رسانه‌ای و تهدید مشکل را مدیریت کند؛ ولی وقتی از این اقدام نتیجه نگرفت، سراغ برداشت از ذخایر استراتژیک آژانس بین‌المللی انرژی رفت؛ ولی با وجود موافقت اولیه این کشورها، هنوز اقدام خاصی نکرده‌اند. آمریکا برای مدیریت جنگ اوکراین و روسیه نیز شروع به برداشت از ذخایر استراتژیک نفت خود کرده و در نتیجه ظرفیت آنها نصف شده است. لغو تحریم‌های روسیه هم تاکنون موفق نبوده و قیمت نفت کماکان بالای ۱۰۰ دلار است.

نیروی دریایی آمریکا هم برای جلوگیری از هدف قرار گرفتن ناوهای جنگی خود از اسکورت کشتی در دهانه تنگه هرمز خودداری می‌کند. همه این اتفاقات در جامعه آمریکا باعث افزایش اعتراض در داخل آمریکا شده است؛ به ویژه اینکه در هفته‌های آینده شاهد افزایش تورم و قیمت‌های مواد غذایی خواهد شد، سقوط ۲ هزار میلیارد دلاری بازار سهام هم آینده اقتصادی رشد در آمریکا را مبهم کرده است. ترامپ در حال حاضر سردرگم است که چه اقدامی انجام دهد و بسیاری از مشاورانش به او توصیه کرده‌اند که به صورت آبرومندانه از جنگ خارج شود؛ البته صحنه درگیری بین کنگره و ترامپ ظرف روزهای آینده رخ خواهد داد؛ جایی که دولت برای ادامه جنگ درخواست بودجه ۵۰ میلیاردی از کنگره را خواهد کرد.

ترامپ، گرفتار چهار نوع غافلگیری

محاسباتی، ترامپ در چهار حوزه زیر گرفتار غافلگیری راهبردی شد:

۱. توان آمریکا از نظر نظامی؛

ترامپ تصویری کرد ارتش آمریکا وقتی با تمام توان علیه ایران با استفاده از پیشرفته‌ترین تجهیزات نظامی وارد عمل شود، ایران به سرعت فرو می‌یابد. این ذهنیت نسبت به توان نظامی آمریکا را ژنرال مکنزی، فرمانده سابق ستکام، این چنین بر زبان جاری کرد: «هیچ کس در جهان و حتی خود من، تصور نمی‌کرد ایران در برابر توان آمریکا و بعد از ترور آیت‌الله، بیش از دو روز تاب بیاورد، اما اکنون جهان چیز دیگری را مشاهده می‌کند!»

آری، ترامپ متوهم در برآوردها نسبت به میزان کارایی ارتش آمریکا در جنگ علیه ایران دچار غافلگیری شد.

۲. توان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران؛

غافلگیری دوم ترامپ در اشتباه محاسباتی برای جنگ، برآوردهای نادرست و غیر واقعی از توانمندی‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران برای دفاع است. تصور ترامپ این بود که ساختارهای دفاعی ایران، به ویژه بعد از انتشار خبر شهادت فرماندهی کل قوا، به سرعت فرو می‌ریزد؛ اما اکنون با گذشت بیش از دو هفته از شروع جنگ، ابتکار عمل در میدان جنگ علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی، در دست مقتدر ایران است. ترامپ در خواب هم

نمی‌دید که پایگاه‌های آمریکا در منطقه و پایگاه‌های نظامی رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی، این گونه یکی پس از دیگری فروپاشیده و نابود شود. ترامپ هرگز تصور نمی‌کرد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، مقتدرانه، خلیج فارس و تنگه هرمز و عبور و مرور کشتی‌ها را در کنترل خود بگیرند. او هرگز تصور نمی‌کرد، رزمندگان اسلام این چنین هم زمان با تهاجم سنگین علیه متجاوزان خارجی، با آتش سنگین بر روی گروهک‌های مسلح تجزیه‌طلب، نفس آنان را به شماره اندازند.

۳. رفتار مردم ایران؛

یکی از مهم‌ترین حوزه‌های غافلگیر شدن ترامپ در محاسباتش، به حوزه رفتار مردم بصر می‌گردد. ترامپ تحت تأثیر رسانه‌های دروغ پرداز و اراجیف مستی وطن فروش، تصور می‌کرد به محض تهاجم سنگین به ایران و به شهادت رساندن رهبر حکیم انقلاب، مردم ایران در نقش پیاده نظام آمریکا علیه جمهوری اسلامی وارد عمل می‌شوند. رئیس‌جمهور متوهم آمریکا با این نوع تصمیم‌گیری و هدف‌گذاری برای جنگ، نشان داد کمترین شناختی از ملت بزرگ و امام حسینی ایران ندارد. او هرگز پیش‌بینی از به میدان آمدن مردم ایران برای دفاع از کشور، تمامیت ارضی، استقلال، عزت و نظام جمهوری اسلامی با مختصات به نمایش آمده در شبها و روز قدس را نداشت.

۴. رفتار اضلاع مقاومت؛

ترامپ هرگز تصور وورد قدرتمندانه بخش‌هایی از مقاومت در جنگ علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی با مختصات به نمایش در آمده در عراق، لبنان و یمن را نداشت. آری، این چهار نوع غافلگیری، موجب شد تا ترامپ در برآوردهای راهبردی برای شروع جنگ علیه ایران، گرفتار اشتباه بزرگی شود و بدین صورت آمریکا و متحدان آن را در یک جنگ بی‌نتیجه و پر خسارت با شکست قطعی و بدون هیچ دستاوردی وارد کند.

اما در کنار این چهار نوع غافلگیری محاسباتی، اصلی‌ترین حوزه‌ای که ترامپ در آن غافلگیر شد، نادیده انگاشتن نقش خالق هستی در مصاف حق و باطل، خیر و شر، اسلام و کفر است. البته ذهن مادی‌گرای او، قلب سیاهش و شکم حرام‌خوار و حتی نوزادخوارش به استناد پرونده شرم‌آور ایستین، هرگز اجازه نمی‌دهد تا او از نقش خداوند متعال که قدرت مطلق در عالم وجود است، از یاری رساندن به ملت مؤمن ایران فهم و درک درستی داشته باشد.

آری این فهم و درک نصرت الهی، برای موحدان و مؤمنان است. این فهم امروز در حد اعلامی آن در ملت امام حسینی ایران وجود دارد. ملتی بزرگ که معتقد است در این جهاد عظیم، خدایش او را بدون هیچ شک و تردیدی پیروز خواهد کرد. ان شاء الله

مسئولان در میدان

سیدحسین

خاتمی خوانساری

دبیر گروه معارف



در روزگاری که پذیرش مسئولیت، دشواری‌های فراوانی دارد، قبول این بار خطیر شجاعتی می‌خواهد بزرگ. در کشور ما، دشمنان عادت کرده‌اند به شخصیت‌ها حمله کنند تا شاید بتوانند از ارزش‌ها بکاهند و میان مردم و مسئولان فاصله بیندازند. در چنین وضعیتی، یک مسئول وظیفه‌ای دوگانه بر دوش دارد: هم باید مشغول انجام کارهای محوله باشد و هم باید در برابر حمله‌های دشمن بایستد و انگیزه خود را برای خدمت از دست ندهد تا نکند نقشه دشمن عملی شود و مردم از رسیدن به قله مایوس شوند. این ایستادگی در برابر طوفان تهمت‌ها و شایعه‌ها و ترور شخصیت، کار هر کسی نیست و به ایمانی استوار و دلی مطمئن نیاز دارد؛ اما در این میان، نکته‌ای هست که پذیرش مسئولیت را در کشور ما شیرین و امیدبخش می‌کند و آن، «حضور و حمایت مردم» است. مردم ما وقتی احساس کنند مسئولی دغدغه آنان را دارد و برای رفع مشکلات‌شان شب و روز نمی‌شناسد، با تمام توان در کنارش می‌ایستند و حمایتش می‌کنند. مردم مسئول خدمتگزار را دوست دارند و حل مشکلات‌شان را به او می‌سپارند. این رابطه دوسویه، سرمایه‌ای بی‌نظیر است که در کمتر جای دنیا می‌توان مشابه آن را یافت.

نمایش زنده این پیوند محبت‌آمیز را در «راهپیمایی روز قدس» امسال به چشم خود دیدیم. همان روزی که مسئولان کشور، در وضعیت حساس جنگ و با وجود تهدیدهای



بالفعل دشمن، بدون تشریفات معمول و بدون کوچک‌ترین ترسی، پای پیاده در میان جمعیت حاضر شدند و در کنار مردم قدم زدند. آنان خود را از مردم و مردم را از خود دانستند. با این حضور بی‌واسطه، می‌خواستند دل مردم را آرام کنند و از نزدیک شاهد لبخند و آرم‌های‌شان، آماده هر فداکاری هستند و مسئولان نیز ثابت کردند که برای خدمتی که به پیروزی ملت بینجامد، از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند. آنچه این روزها مردم جهان را به شگفت آورده، ترکیبی از شعور و شور مردم ماست. شعوری که نشان می‌دهد این ملت با بصیرت راه خود را انتخاب کرده و شوری که از عشق آنان به ارزش‌های والا سرچشمه می‌گیرد. استحکام مردم در برابر مشکلات و شجاعت مسئولان نظام در کنار سادگی و بی‌تکلفی آنان، تصویری ساخته که دوستان را امیدوار و دشمنان را مبهوت کرده است.



مردم ما سال‌های سال زحمت کشیده و سختی‌ها را تحمل کرده‌اند تا امروز بتوانند با سربلندی در برابر دشمن بایستند و از کیان خود دفاع کنند. مسئولان کشور نیز در تمام این سال‌ها، مردم را پشتیبان خود دیده‌اند و اکنون می‌خواهند در کنار آنان، همانند آنان و همراه آنان در برابر دشمن صف‌آرایی کنند. وقتی این رابطه صمیمانه برقرار باشد، دیگر جایی برای تردید باقی نمی‌ماند. با چنین مردمی، هیچ مسئولی در دل خود احساس تزلزل نمی‌کند و با چنین مسئولانی، مردم از آینده هیچ نگرانی ندارند. این روحیه و این استواری، در باوری عمیق ریشه دارد. هر کس که دل به آرمان‌های انقلاب سپرده و خود را زیر پرچم الهه دیده و در حزب خدا عضو شده، طبیعی است که این چنین شجاعانه رفتار کند. مردم ما شاگردان مکتب تشیع و درس‌آموختگان راه اهل بیت عصمت و طهارت (ع) هستند. آنان از علمای دین و مراجع بزرگوار آموخته‌اند که



راه درست، همان مسیر اسلام است و بر اساس رهنمودهای خمینی عزیز و رهبر شهید، وظیفه خود را می‌شناسند و به آن عمل می‌کنند. راهپیمایی روز قدس که هر سال با شکوه بیشتر برگزار می‌شود، چیزی نیست جز ثمره سال‌ها ایستادگی، تلاش و مجاهدت مردم. ما سال‌ها برای این روز دعا کرده و کوشیده‌ایم تا راهپیمایی‌های ما نه در خیابان‌های شهرها، که در قدس شریف به پایان برسد. تا آن هدف فاصله‌ای نداریم؛ زیرا همین حضور پرشور، نشان می‌دهد مسیر درست و نزدیک است. انقلاب ما بی‌تردید پیروز است و تاریخ ما روشن‌تر از همیشه؛ پرچم این انقلاب با دست‌های پر مهر مردم و عزم راسخ مسئولان، همیشه برافراشته خواهد بود تا روزی که به دست صاحب اصلی‌اش، امام زمان (عج) برسد. آن روز، همه زحمت‌ها پاسخ داده خواهد شد و همه آرزو‌ها به حقیقت خواهد پیوست.

تداوم انقلاب اسلامی با رهبری سوم



مهدی سعیدی

جریان شناس سیاسی

انقلاب‌ها در عین حال که نماد افتخار و اقتدار و محصول دسترنج یک ملت به شمار می‌آیند، در درون خود نقاط آسیب و پاشنه آشیل‌هایی دارند که بی‌توجهی به آن می‌تواند ضربات جبران‌ناپذیری را به پیکره آن وارد کند. یکی از آن نقاط حساس و آسیب‌پذیری زمانی است که حیات رهبر انقلاب به پایان می‌رسد و زمان برای جابه‌جایی و انتقال رهبری جدید فرا می‌رسد. بسیاری از انقلاب‌های مشهور جهانی در این مرحله ضربه خورده یا از پای در آمده‌اند یا از مسیر انقلاب دچار انحراف شده‌اند. انقلاب اسلامی در حیات طیبه خود دو بار با این شرایط مواجه بوده است. اولین بار پس از رحلت بنیانگذار انقلاب اسلامی در خردادماه ۱۳۶۸ بود که خیرگان ملت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای را به عنوان جانشین برگزید. این در حالی بود که شاید هیچ‌کس گمان نمی‌کرد در «فردای بدون خمینی»، چه سرنوشتی برای ایران رقم خواهد خورد؛ اما گذر زمان نشان داد که شباهت‌ترین گزینه و تربیت یافته مکتب خمینی چه خوب توانست از پس مأموریت الهی خود برآید و ایران اسلامی را در مسیر آبادانی و پیشرفت و اقتدار و عزت قرار دهد و

با مدیریت داهیه‌ناش چنان ایرانی بسازد که امروز تمام دشمنان این سرزمین را به خاک سیاه نشاند است. خامنه‌ای بزرگ هر چند اولین شهیدی بود که در جنگ رمضان به همراه خانواده‌اش جان‌شان را فدای ایران کردند، اما آنچه در قالب مقاومت ۱۶ روزه تحسین جهانیان را به همراه داشته و دشمنان را خار و ذلیل کرده، بدون شک محصول ۳۶ سال تدبیر و حکمرانی حکیمانه ایشان برای ساختن ایران بوده است.

خامنه‌ای سال ۱۴۰۴، خامنه‌ای ۱۳۶۸ نبود؛ او آنقدر قدکشیده و انتظارات را بالا برده بود که این بار تصور «فردای بدون سیدعلی» قلب همه عاشقانش در جهان اسلام را از تپش می‌انداخت. اما قضای الهی سر رسید و جامه شهادت برانزده امام شهیدان شد؛ اما کار سخت بر عهده مجلس خبرگان رهبری افتاد که در شرایط بسیار دشوار جنگی و در لحظاتی که حتی امکان برگزاری نشست‌های این مجلس نیز ممکن نبود، دست به انتخابی خطیر بزند

و به این پرسش پاسخ گویند که واقعاً چه کسی خواهد توانست در تراز حکیم انقلاب اسلامی قدعلم کند و سکان اداره کشور را پس از او برعهده گیرد؟! این بار نیز اراده و مشیت الهی بر این بود که ذهن‌ها و قلب‌های خبرگان ملت را به سمت و سوی چهره ارزشمندی سوق دهد که بیش از دیگران در مکتب خامنه‌ای پرورش یافته است. این انتقال الهی زعامت جامعه اسلامی در چنین شرایطی سخت که با حمایت قاطعانه ملت ایران همراه شد، بدون شک یکی از الطاف خفیه الهی بود که تحقق آن در شرایط عادی با شرایط بسیار دشوارتری همراه می‌شد و این جابه‌جایی را با حواشی فراوانی همراه می‌کرد که پرداختن به آن در این مجال ممکن نیست.

نکته تأمل‌برانگیز در این میان درخشش خامنه‌ای جوان در اولین پیامی بود که متناسب با شرایط کشور صادر کرد. پیام از چنان جامعیت و ادبیات فاخری برخوردار بود که توجه همه

این بار نیز اراده و مشیت الهی بر این بود که ذهن‌ها و قلب‌های خبرگان ملت را به سمت و سوی چهره ارزشمندی سوق دهد که بیش از دیگران در مکتب خامنه‌ای پرورش یافته است. این انتقال الهی زعامت جامعه اسلامی در چنین شرایطی سخت که با حمایت قاطعانه ملت ایران همراه شد، بدون شک یکی از الطاف خفیه الهی بود که تحقق آن در شرایط عادی با شرایط بسیار دشوارتری همراه می‌شد و این جابه‌جایی را با حواشی فراوانی همراه می‌کرد که پرداختن به آن در این مجال ممکن نیست

بن بست تنگ هرمز

پس از دو هفته جنگیدن امروز در کجا قرار داریم؟

و هوشمندانه ترابری دریایی در تنگ هرمز نخواهد رفت؛ اما اکنون مشخص شده است که این تصور یک خطای جدی راهبردی بوده است.

اشتباه بزرگ

در چنین فضایی، یکی دیگر از تصمیمات اشتباه و اشنگتن و تل‌آویو هدف قرار دادن زیرساخت‌های انرژی ایران بود. تهدید و حمله به انبارهای نفت و تأسیسات انرژی ایران، در نگاه اول می‌توانست اقدامی برای فشار اقتصادی تلقی شود، اما در واقع این اقدام می‌تواند به نتیجه‌ای معکوس منجر شود.

بازار انرژی جهانی به شدت حساس است و هرگونه تهدید علیه زیرساخت‌های نفتی منطقه، بلافاصله موجب افزایش قیمت انرژی می‌شود. همین مسئله موجب شد حتی در داخل دولت آمریکا نیز نگرانی‌هایی درباره این اقدام مطرح شود. بیت‌هگست در واکنش به این مسئله اعلام کرد، حمله به برخی تأسیسات انرژی ایران اقدامی خودسرانه از سوی اسرائیل بوده و چنین اقداماتی نباید تکرار شود. این اظهارات نشان می‌دهد، حتی در داخل اردوگاه آمریکا نیز درباره پیامدهای چنین اقداماتی اجماع وجود ندارد.

واقعیت این است که گسترش جنگ به زیرساخت‌های انرژی منطقه می‌تواند قیمت نفت را تا سطوح بی‌سابقه‌ای افزایش دهد؛ حتی برخی تحلیل‌ها از احتمال عبور قیمت نفت از مرز دو سیست دلار سخن گفته‌اند. چنین سناریویی در عمل می‌تواند به یک بحران اقتصادی جهانی تبدیل شود؛ بحرانی که متضرر اصلی آن خود آمریکا و اقتصاد لیبرال غربی خواهد بود.

در همین چارچوب می‌توان حمله آمریکا به جزیره خارک را نیز تحلیل کرد. این حمله که به دستور ترامپ انجام شد، بیشتر از آنکه یک اقدام راهبردی مؤثر باشد، به نظر می‌رسد بخشی از جنگ روانی علیه ایران بوده است. نخست آنکه اهدافی که در این حمله مورد هدف قرار گرفتند، از نظر راهبردی اهمیت

تعیین‌کننده‌ای نداشتند. دوم آنکه ایران در طول سال‌های تحریم به تدریج خود را با شرایط محدودیت در فروش نفت سازگار کرده است. از سوی دیگر، گسترش جنگ به حوزه انرژی منطقه می‌تواند پیامدهای پیش‌بینی‌ناپذیری برای کل بازار جهانی داشته باشد. اگر چنین روندی ادامه یابد، نه تنها قیمت انرژی، بلکه کل اقتصاد جهانی تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

بحران بزرگ

اکنون مسئله اصلی این است که ترامپ چگونه می‌تواند از این جنگ خارج شود؛ چرا که به هر حال رئیس‌جمهور آمریکا عملاً در یک محاصره راهبردی گرفتار شده و گزینه‌های محدودی پیش روی خود دارد.

نخستین گزینه آن است که اعلام کند عملیات نظامی آمریکا به پایان رسیده و واشنگتن قصد ادامه درگیری را ندارد. در چنین سناریویی، آمریکا می‌تواند تلاش کند از جنگ خارج شود؛ اما این تصمیم عملاً رژیم صهیونیستی را تنها خواهد گذاشت و در آن صورت ایران احتمالاً تل‌آویو را به طرز وحشتناکی تنبیه خواهد کرد و این تنبیه باعث می‌شود که آمریکایی‌ها هم دیگر توان بازگشت به منطقه را در آینده نداشته باشند.

گزینه دوم

گزینه دوم افزایش تهدیدها و تشدید جنگ روانی است. حملات شدید به مناطق مسکونی و برخی عملیات‌های نمایشی را می‌توان در همین چارچوب تحلیل کرد؛ تلاشی برای ایجاد رعب و فشار بر جامعه ایران. این اقدام هم با این امید انجام می‌شود که تاب‌آوری جامعه کاهش پیدا کرده و در نتیجه فشار اجتماعی بر حاکمیت به منظور تسلیم شدن در مقابل آمریکا ایجاد شود. این گزینه احتمال بسیار پایینی دارد و دلیل آن هم مشاهدات میدانی در شب‌های سوگواری و آیین بزرگداشت یاد و نام شهدا و اعلام انزجار و تفرق از غرب و آمریکا و مطالبات فراوان مردم ایران به منظور انتقام‌گیری است که هر روز و شب در خیابان‌ها و میادین اصلی همه شهرهای کشور

دغدغه‌مندان ایران اسلامی را به خود جلب کرد و نوید آن را داد که زین پس تعبیر هنرمندانه و تدابیر حکیمانه امام شهید انقلاب اسلامی را از زبان جانشین خلفش می‌توان دنبال کرد.

بدون شک برای آنکه ابعاد شخصیتی آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای برای افکار عمومی آشکار شود باید منتظر گذر زمان و پیش‌آمد رویدادهایی بود که زین پس پیش روی انقلاب اسلامی در دهه پنجم انقلاب اسلامی قرار خواهد گرفت و آنجاست که هدایت‌ها و تدبیرهای رهبری سوم عیان خواهد شد. بدون شک جمهوری سوم با رهبری خامنه‌ای جوان، ضمن تکیه به تجربیات و راهنمایی‌های گذشته، جمهوری متفاوتی از جمهوری اول و دوم خواهد بود و در مسیر دستیابی به قله‌های پیش‌رو با انگیزه و نیروی جوانی و درک صحیح و روشن‌بینانه از مسائل جامعه و نظام بین‌الملل شاهد تکاپوی بیشتر برای رسیدن به تمدن اسلامی و تحقق الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت خواهیم بود.

بدون شک خدای روح‌الله الموسوی الخمینی، همان خدای سیدعلی خامنه‌ای و همان خدای سیدمجتبی خامنه‌ای است و فراموش نکنیم که راهبر و هادی این سرزمین حضرت حجت‌بن‌الحسن (ارواحنا له افداء) است که ان‌شاءالله خیلی زود با ظهورش هدایت این انقلاب را آشکارا برعهده خواهد گرفت.

پس از شروع جنگ در حال برگزاری است. گزینه سوم تلاش برای کسب یک پیروزی نمادین و سپس پایان دادن به جنگ از طریق مذاکره است. در چنین سناریویی واشنگتن تلاش می‌کند با نمایش یک دستاورد سیاسی یا نظامی، پایان جنگ را توجیه کند. دسترسی به این امکان هم با وجود آمادگی نظامی نیروهای مسلح ایران و ملت شریف کشورمان بسیار سخت و دور از انتظار است.

گزینه چهارم

با این حال برخی گزینه‌های دیگر هم هستند که گاه در محافل نظامی مطرح می‌شود، مانند عملیات زمینی در ایران، تصرف سرزمینی یا عملیات‌های ویژه علیه تأسیسات هسته‌ای، که همگی این گزینه‌ها باریک بسیار بالا همراه هستند و احتمال موفقیت آنها نیز پایین ارزیابی می‌شود و بنابراین ترامپ اکنون در آتش جنگی می‌سوزد که خود آن را فروخته است؛ اما نمی‌داند که چگونه از آن رهایی پیدا کند.

پنجره‌ای که در حال بسته شدن است

در این جنگ یک متغیر تعیین‌کننده وجود دارد و آن، زمان است. گذر زمان در بسیاری از جنگ‌ها به ضرر قدرتی تمام می‌شود که هزینه‌های بیشتری می‌پردازد. در وضعیت فعلی، نشانه‌های زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد طولانی شدن جنگ می‌تواند به زیان آمریکا باشد. افزایش هزینه‌های نظامی، مصرف سریع مهمات گران‌قیمت، فشار افکار عمومی داخلی و نوسانات اقتصادی جهانی همگی عواملی هستند که می‌توانند به تدریج موقعیت واشنگتن را تضعیف کنند. از سوی دیگر، طولانی شدن جنگ می‌تواند به افزایش همدلی افکار عمومی جهان با ایران و افزایش فشار سیاسی بر آمریکا منجر شود.

به همین دلیل بسیاری از تحلیلگران معتقدند آمریکا با یک پنجره زمانی محدود برای پایان دادن به این بحران مواجه است. هرچه زمان بگذرد، هزینه‌های جنگ افزایش می‌یابد و گزینه‌های واشنگتن محدودتر می‌شود.

دیدگاه

شماره ۱۲۳۰ | دوشنبه ۲۵ اسفند ۱۴۰۴

صداقت

روزنه

مردم در میدان باید سازماندهی شوند

محسن رادادی

عضو پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه

با شروع جنگ در هفته‌های اخیر دیدیم جامعه‌ای که خیال می‌کردیم در دی‌ماه دچار اختلافات فراوان سیاسی اجتماعی در درون خود شده‌است، به عنوان ید واحد در جبهه اجتماع و فرهنگ صف‌آرایی می‌کند. در ریشه‌یابی این وحدت می‌توان دو دلیل را به عنوان علل برجسته‌تر شمرد.

اول آنکه، ایرانی‌ها به دلیل ریشه‌ها تمدنی خود؛ همواره در برابر تجاوز و حمله خارجی ایستادگی داشته و وحدت خود را حفظ نموده‌اند. مردم به خوبی درک کردند که خطر آمریکا و رژیم صهیونی بیش از چیزی است که در تبلیغات آمده و اساساً کل مردم ایران و تمامیت ارضی ما را تهدید می‌کند. ایرانی‌هایی که در تاریخ خود سابقه چند هزار ساله دارند، خود را از جامعه مصنوعی آمریکا که عمرش به ۳۰۰ سال نمی‌رسد متمایز می‌دانند.

دوم آنکه، شهادت رهبر معظم انقلاب، امام شهید سیدعلی خامنه‌ای را می‌توان دلیل دانست. خون این شهید، پاسخ محکمی به بسیاری از تهمت‌هایی بود که در طول سال‌ها متوجه ایشان، انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی شده بود. شهادت ایشان در دفتر کارشان به همراه تی چند از سرداران و مسئولان کشور پاسخی شد به بسیاری از سیاه‌نمایی‌های رسانه‌های سال‌های اخیر. این شهادت شوک و سیلی حقیقت برای بخشی بود تا بار دیگر به ساحت وطن و ایران برگردند و خود را در پازل خطرناک دشمن قرار ندهند.

حال مردم متحد شده‌اند و در مسیر دفاع از کشور برآمدند. اما در آن سوی میدان، ستون پنجم ضدانقلاب؛ در پی آن است تا با خالی شدن خیابان‌ها و فروکش شور و هیجان این روزهای مردم، بار دیگر مسیر اغتشاش را در این کشور هموار سازد تا در وضعیتی که ما با دو قدرت اتمی جهان درگیر هستیم، شورش داخلی نیز به آن اضافه شود.

اما به راستی در این وضعیت چه باید کرد و چگونه می‌توان مکر ضدانقلاب را خنثی نمود؟ در ابتدا باید اشاره داشت که به پاس خون امام شهیدمان که همیشه بر موضوع وحدت تأکید داشتند، باید این اتحاد اجتماعی را حفظ کرده و خدش‌های به آن وارد ننماییم. در گام بعدی باید نوآوری داشت تا مردم حاضر در صحنه هدر نروند و انرژی و توانایی آنان پس از مدت کاهش نیابد. این نوآوری باید جدای از موضوعات سیاسی و نظامی باشد. ما باید بر امر اجتماعی تأکید کنیم و از این طریق مسئله وحدت را تقویت نماییم. به طور مثال در اول انقلاب، ایجاد نهادهایی چون بسیج مستضعفین، جهاد سازندگی بود که توانست از شور و انگیزه مردم به خوبی بهره ببرد، باید به این مسائل اندیشید و مردم را به شکل سازماندهی شده پای کار آورد تا ثمرات تلاش آنان بیش از پیش باشد.



رویکردهای خصمانه آمریکا و رژیم صهیونیستی علیه ایران بیش از پیش آشکار شده است؛ از جمله می‌توان به تنش و درگیری ۱۲ روزه اشاره کرد که هدف آن برهم زدن ثبات داخلی و ایجاد آشوب گسترده بود و با هوشیاری و مقاومت مردم ایران ناکام ماند.

در پی تجاوز نظامی مشترک ایالات متحده و رژیم صهیونیستی علیه خاک جمهوری اسلامی ایران، معادلات منطقه بار دیگر دگرگون شد. تنها لحظاتی پس از آغاز این حمله، نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با اجرای عملیاتی گسترده و هماهنگ با نام «وعده صادق ۴» پاسخ کوبنده‌ای را به دشمنان داد؛ پاسخی که هم از نظر حجم آتش و هم دقت اصابت بی‌سابقه بود.

در این عملیات، موج‌های پی‌درپی از موشک‌های بالستیک و پهپادهای انتحاری ایرانی به سمت مواضع حیاتی دشمن در سرزمین‌های اشغالی و پایگاه‌های آمریکا در منطقه روانه شد. ظرف ساعت‌های نخستین، ده‌ها نقطه حساس شامل سامانه‌های پدافندی، باندهای پروازی، و مراکز فرماندهی هدف قرار گرفت و بسیاری از آنها یا از کار افتادند یا به‌طور کامل نابود شدند.

ادعاهای پیشین مقامات صهیونیستی مبنی بر نابودی بخش عمده توان موشکی ایران و انهدام مراکز تولید و زیرزمینی صنایع دفاعی، با واقعیت صحنه نبرد در هم شکست. پرتاب بیش از دو برابر موشک نسبت به نبرد ۱۲ روزه گذشته، آن هم در بازه‌های کوتاه، نشان داد که تاب‌آوری، ظرفیت تولید و قدرت فرماندهی آتش ایران نه تنها حفظ شده، بلکه به سطحی بالاتر ارتقا یافته است.

«وعده صادق ۴» در کمتر از یک شبانه‌روز، محاسبات امنیتی و اطلاعاتی واشنگتن و تل‌آویورایی اعتبار کرد و نشان داد برآوردهای دشمن از توان راهبردی ایران، بر پایه اوهام بوده است.

در این پرونده، به منظور درک عمق دگرگونی در قدرت تهاجمی ایران، سه ستون اصلی سامانه آتش ایران، از جمله موشک‌های فتاح، سجیل و خرمشهر-۴ از دیدگاه ساختار فنی، کارایی عملیاتی و توان مانورپذیری بررسی می‌شوند؛ سه ابزاری که هر یک به‌تنهایی نماد بازدارندگی اند و در کنار هم، سیمای تازه‌ای از قدرت موشکی جمهوری اسلامی ایران را ترسیم می‌کنند.

دکترین موشکی ایران بر پایه «تنوع، تداوم و تطبیق» شکل گرفته است؛ سه اصل کلیدی که توان کشور را در مواجهه با تهدیدهای چندوجهی حفظ می‌کنند. در این میان، سه موشک اصلی فتاح، سجیل و خرمشهر-۴ هر یک نماینده یک نسل از توسعه راهبردی‌اند؛ از موشک‌های سوخت جامد تمام‌مانور تا موشک‌های سنگین با قدرت تخریب استثنایی. این سه سلاح در کنار هم، «مثلث آتش» بازدارندگی ایران را تشکیل می‌دهند.

سه فرمانده آتش در خط مقدم

سناریوی نفوذ ترکیبی موشک‌های فتاح، سجیل و خرمشهر



سامانه‌های هایپرسونیک با سرعت و چابکی بی‌سابقه، شکافتن سپر دفاعی دشمن و رساندن خسارت اولیه و فلج‌کننده به مراکز فرماندهی و سامانه‌های پدافندی پیشرفته است. این عملیات برش دفاعی را فراهم می‌آورد و زمان واکنش دشمن را به صفر می‌رساند.

نقش سجیل در این ساختار جدید، نه به منزله جایگزین ضربه اولیه، بلکه به عنوان مکمل حیاتی آن تعریف می‌شود؛ سیستمی که بقای عملیاتی خود را حفظ کرده و بلافاصله پس از ایجاد شکاف دفاعی، وارد عمل می‌شود.

پس از اینکه ضربه اولیه هایپرسونیک موفق به از کار انداختن مراکز فرماندهی و سامانه‌های دفاع موشکی پیشرفته دشمن، مانند سامانه‌های پدافندی پیشرفته رژیم صهیونیستی یا آمریکا شد، نیاز به یک سیستم ضربه‌زن سریع و مطمئن برای اطمینان از انهدام اهداف استراتژیک باقیمانده، حیاتی است. اینجاست که مزایای عملیاتی سجیل برجسته می‌شوند.

ضربه راهبردی اولیه، یعنی استفاده از توان موشکی برای زدن اهداف بسیار حیاتی دشمن در همان مراحل آغازین جنگ پیش از آنکه او بتواند حمله‌ای سازمان‌یافته انجام دهد یا نیروهایش را پراکنده کند. به عبارتی، اول زدن تا اول آسیب ندیدن.

هدف شوک و فلج کردن اراده دشمن و مختل کردن ساختار فرماندهی، پدافند و لجستیک او و همچنین جلوگیری از شکل‌گیری عملیات گسترده هوایی یا دریایی علیه ایران.

● **سکوی متحرک (TEL)**
یکی از بزرگ‌ترین تهدیدها برای هر نیروی موشکی، شناسایی و انهدام سکوهای پرتاب پیش از عملیات است. موشک‌های بالستیک قاره‌پیمای سنگین‌تر اغلب نیازمند لجستیک پیچیده یا زمان آماده‌سازی طولانی‌تر در پایگاه‌های ثابت هستند؛ در مقابل تحرک بالای سکوی پرتاب متحرک موشک سجیل این مزیت را فراهم می‌آورد.

بقایپذیری پس از ضربه اول: برخلاف موشک‌های سنگین‌تر که ممکن است پیش از شلیک شناسایی و هدف قرار گیرند، تحرک بالای سکوی پرتاب سجیل به آن اجازه می‌دهد تا در برابر اقدامات تلافی‌جویانه اولیه دشمن، موقعیت خود را تغییر دهد یا از مراکز پنهان خارج شود.

بین اجزای مختلف، یا انحراف رهگیرها به سمت هدف کاذب باشد.

پدباز کردن راه برای موج اصلی: این شکاف امنیتی ایجاد شده به وسیله فتاح، فرصتی حیاتی (پنجره آسیب‌پذیری) را برای موج دوم حملات فراهم می‌کند. در این مرحله، موشک‌های کلاس سجیل و خرمشهر-۴ (با تمرکز بر انهدام اهداف راهبردی عمیق و مستحکم) یا کروزهای سنگین، با احتمال رهگیری بسیار کمتر، مسیر خود را به سمت اهداف اصلی (مثل تأسیسات هسته‌ای، مراکز فرماندهی راهبردی یا زیرساخت‌های اقتصادی کلیدی) ادامه می‌دهند.

فتاح یک موشک صرف نیست؛ بلکه یک ابزار تاکتیکی-استراتژیک برای حذف بزرگ‌ترین چالش دکترین حمله ایران، یعنی سامانه‌های دفاع موشکی پیشرفته است. مأموریت اصلی آن، تضمین این اصل است که هیچ سدی در برابر ضربه نهایی نخواهد ایستاد. با انهدام مؤثر لایه اول دفاعی، فتاح به عنوان «خط‌شکن هایپرسونیک»، توانایی عملیاتی موشک‌های متعارف و دوربرد ایران را به حداکثر می‌رساند و اطمینان لازم برای اجرای موفقیت‌آمیز یک سناریوی حمله چندوجهی را فراهم می‌آورد.

فرمانده دوم: سجیل؛

ضربه ترکیبی

دکترین موشکی مدرن فراتر از نمایش صرف توانایی شلیک رفته و به سمت اجرای عملیات تخریبی دقیق در مراحل مختلف یک درگیری حرکت کرده است. در محیط‌های پیچیده جنگی و سامانه‌های دفاعی چندلایه امروزی، که با شبکه‌های فرماندهی و کنترل به هم پیوسته مشخص می‌شود، موفقیت عملیاتی نیازمند یک رویکرد چندوجهی است.

دکترین

دکترین ضربه راهبردی اولیه که سجیل به دلیل سوخت جامد و قابلیت پرتاب سریع نمایندگی می‌کند، اکنون باید با معماری جدیدی که به وسیله سامانه‌های هایپرسونیک مانند فتاح تعریف می‌شود، هماهنگ شود. هدف اصلی

مانورپذیری

مهم‌ترین برتری فتاح، قابلیت مانور در فاز گلااید است. در علم موشک، گلااید به یک فاز پروازی گفته می‌شود که پس از مرحله اوج‌گیری و ورود به جو، موشک برای دستیابی به هدف به جای دنبال کردن یک مسیر بالستیک پیش‌بینی‌پذیر، از سطوح کنترلی خود (بالک‌ها یا بالچه‌ها) برای یک سر خوردن کنترل شده در نزدیکی مرز فضا و جو استفاده می‌کند. بر عکس موشک‌های بالستیک سنتی که پس از مرحله میانی، مسیر فرود آن عمدتاً تحت تأثیر جاذبه و قوانین بالستیک قرار دارد و پیش‌بینی‌پذیر است، پس قابلیت مانورپذیری در فاز گلاйд به طور قطع می‌تواند سامانه‌هایی، مانند تاد و پاتریوت را اشباع کرده و از آنها به راحتی عبور کند چون مفهوم تیراندازی به یک هدف متحرک برای سیستم دفاعی، رهگیری فتاح شبیه به تلاش برای شلیک به یک پرند در حال فرار است که به جای پرواز خطی، می‌تواند در لحظه، جهت عمودی و افقی خود را تغییر دهد. در نتیجه، رهگیرها مجبورند به جایی شلیک کنند که موشک بوده، نه جایی که هست یا خواهد بود.

نفوذ استراتژیک در عمق

برد عملیاتی ۱۴۰۰ کیلومتری فتاح، به آن اجازه می‌دهد تا از فاصله ایمن، عمق اصلی مناطق عملیاتی دشمن را هدف قرار دهد. این برد، در کنار توانایی نفوذ، قابلیت اجرای دکترین «ضربه اول مطمئن» را فراهم می‌آورد.

مأموریت اصلی در دکترین حمله ترکیبی: انهدام دفاع به عنوان پیش شرط. مأموریت فتاح در ساختار حمله ترکیبی ایران، تعریف مشخصی دارد و آن را به یک «سلاح نفوذگر اولیه» تبدیل می‌کند:

الف هدف‌گیری مراکز فرماندهی پدافند: تاکتیک عملیاتی فتاح متوجه نقاط حیاتی سامانه‌های دفاعی است؛ مراکزی که وظیفه رصد، قفل و هدایت رهگیرهای مترام (مانند سامانه‌های زمین‌پایه دوربرد) را بر عهده دارند.

ب ایجاد اختلال سیستمی: با انهدام یا ایجاد اختلال شدید در این مراکز فرماندهی، کل ساختار پدافندی دشمن به صورت زنجیره‌ای فلج می‌شود. این فلج شدن، می‌تواند به صورت اشباع راداری، قطع ارتباط

فرمانده اول: فتاح؛

انهدام پارادایم دفاعی دشمن

در دکترین نظامی مدرن، توانایی تضمین ضربه متقابل، محور اصلی بازدارندگی است. در این میان، سامانه‌های پدافندی پیشرفته دشمن، به مثابه خطوط مقدم حفظ بقای زیرساخت‌های حیاتی به شمار می‌آیند. جمهوری اسلامی ایران با درک این پارادایم، رویکرد خود را از صرفاً افزایش برد و قدرت تخریب، به سمت تضمین نفوذ کیفی تغییر داده است. در قلب این راهبرد جدید، موشک هایپرسونیک فتاح قرار دارد؛ سلاحی که نه تنها برای انهدام، بلکه برای مقدمه‌چینی انهدام طراحی شده است. مأموریت فتاح، نه انهدام مستقیم پایگاه‌های استراتژیک، بلکه ایجاد شکاف امنیتی ترمیم‌ناپذیر در زنجیره فرماندهی و کنترل سامانه‌های پدافندی است که از آن اهداف محافظت می‌کنند. درباره قابلیت‌های کلیدی موشک فتاح می‌توان به چند موزد اشاره کرد:

سرعت هایپرسونیک

سرعت ۱۳ تا ۱۵ ماخ صرفاً یک عدد نیست، بلکه یک محدودیت زمانی مطلق برای دشمن ایجاد می‌کند. در این سرعت‌ها، مدت زمانی که سامانه‌های دفاعی برای شناسایی، قفل کردن و شلیک رهگیر دارند، به شدت کاهش می‌یابد. الف - کاهش پنجره تصمیم‌گیری: سامانه‌های دفاعی معمولاً برای پردازش داده‌های رهگیری و شلیک به چند ثانیه زمان نیاز دارند. در برابر فتاح، این پنجره به قدری فشرده می‌شود که عملاً غیرممکن است که یک رهگیر استاندارد بتواند به‌طور مؤثر واکنش نشان دهد، مگر آنکه در لحظه شلیک موشک هدف‌گیری شده باشد. بد شکست در هشدار زودهنگام: حتی اگر سنسورهای دوربرد (مانند رادارهای مبتنی بر ماهواره) وجود پرتاب را تشخیص دهند، سرعت فتاح مانع از آن می‌شود که پیش‌بینی دقیق مسیر موشک برای رهگیرهای کوتاه‌برد ممکن شود.

بصیرت در بزنگاه‌های تاریخی

بررسی اهمیت حضور مردم در خیابان‌ها در گفت‌وگوی صبح صادق با
مهندس عباس سلیمی نمین

حسن نوروزی

دبیر گروه سپاه



در حالی که دشمن با تهاجم همه‌جانبه، از حمله نظامی تا به‌کارگیری نیروهای تجزیه‌طلب و بقایای رژیم‌های پهلوی، امنیت کشور را هدف قرار داده است، ملت ایران بار دیگر با حضوری خودجوش و آگاهانه در صحنه، نقشه دشمنان را ناکام گذاشتند. «مهندس عباس سلیمی نمین» مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران، در گفت‌وگویی اختصاصی با هفته‌نامه «صبح صادق» به تبیین و تفسیر عمیقی از اهمیت حضور مردم در خیابان‌ها، به‌ویژه در بزنگاه تاریخی شهادت رهبر معظم انقلاب می‌پردازد. او تأکید می‌کند که این حضور، نه تنها نشان‌دهنده درک بالای سیاسی و تجربه تاریخی ملت ایران است، بلکه خود نقشی هدایت‌گر در پر کردن خلأ فرماندهی و زمین‌گیر کردن برنامه دشمن ایفا کرده است. در ادامه مشروح این مصاحبه آورده می‌شود.

به نظر شما در شرایط امروز کشور، اهمیت حضور مردم در خیابان‌ها را چگونه می‌شود تفسیر و تبیین کرد؟

بحث تهاجم نظامی و حملات، که عمدتاً به‌صورت هوایی و موشکی انجام می‌گیرد، یک حلقه از تهاجم علیه ایران است. حلقه دیگری، به‌کارگیری نیروهای تجزیه‌طلب، وابستگان به رژیم پهلوی، بقایای سواک و منافقین، همچنین خانواده‌های آنهاست؛ کسانی که در سال‌های گذشته به ملت ایران خیانت کردند و در زمان جنگ با رژیم بعث عراق نیز همراه مهاجمان، از جمله صدام بودند.

دشمن در حلقه دوم سعی دارد با فعال کردن این گروه‌ها در داخل کشور و ربط دادن این عناصر به یکدیگر، فشار داخلی را افزایش دهد؛ اما درک بالای سیاسی ملت ایران، به‌ویژه در مقطعی که رهبر عظیم‌الشان ما، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای به شهادت رسیدند و کشور بدون رهبر، فرمانده سپاه، ستاد کل و وزیر دفاع بود، مردم با حضور گسترده خود در صحنه، تمام سناریوی دشمن را زمین‌گیر کردند.

می‌توان گفت در شرایطی که فقدان رهبری وجود داشت، جامعه با درک درست از وضعیت و وظیفه خود چنان عمل کرد که خلأ فرماندهی را به‌خوبی پر کرد. این نکته بسیار مهم و آذین‌شمن است و نشان می‌دهد که گاهی و تجربه مردم ایران امروز بسیار باسرازم گذشته است.

آیا دشمن پیشتر نیز برای اجرای این سناریو برنامه‌ای را تدارک دیده بود؟ یا این برنامه هم‌زمان با این جنگ می‌خواست شکل بگیرد؟

دشمن در فتنه ۱۸ و ۱۹ دی شرایط را برای امروز تدارک دیده بود؛ به این صورت که برای افزایش خسارات ناشی از حملات هوایی، در آن زمان به دست عوامل خود در داخل کشور اقدام به نابودی حدود ۱۵۰۰ آمبولانس و تعدادی قابل توجه از خودروهای آتش‌نشانی کرد. هدف آن بود که با از بین رفتن امکانات امدادی و آتش‌نشانی، خسارات وارده بر اثر حملات هوایی به حداکثر برسد و کشور از نظر امدادسانی و کنترل بحران ناتوان شود. در آن زمان نیروهای وابسته به دشمن، از جمله منافقین و عناصر صهیونیستی (که عمدتاً طرفدار پهلوی یا وابسته به فرقه بهایی بودند)، در میدان حضور یافتند تا این سناریو را اجرا کنند.

باین حال، ملت ایران در روز شهادت رهبر، بدون هیچ فراخوان رسمی از سوی سازمان‌ها یا

همه حرکت‌ها، از جمله حرکت‌های کودتایی یکسان است. در ابتدا عوامل خشونت‌زا و محرک، فضایی رعب‌آور ایجاد می‌کنند تا نیروهای بیگانه بتوانند در ادامه، حرکت نظامی را دنبال کنند.

برای نمونه در کودتای ۲۸ مرداد، ابتدا مردم را با حرکت‌های خیابانی دچار ترس کردند. عوامل فاسد و مزدور، مانند برخی از اراذل و اوباش، با حضور در خیابان‌ها و اقدامات خشونت‌آمیز، زمینه کودتا را فراهم کردند. این خود، یک تجربه تاریخی مهم برای ملت ایران است. در همان کودتای ۲۸ مرداد، ترسی که ابتدا به‌وسیله عوامل فاسد و وابسته به بیگانه ایجاد شد. همان

لمین‌عامل اصلی خالی شدن میدان از مردم بود. به‌طور دقیق‌تر، مثلاً «کمال جعفری» که به دستور دولت دکتر مصدق به دلیل همین رفتارهای خشونت‌آمیز دستگیر شده بود، از داخل زندان به چاقوکش‌های شهر پیام داد که: «به خیابان‌ها بریزید، رعب و وحشت ایجاد کنید، مردم را بترسانید.» همین اقدامات باعث شد زمانی که نیروی نظامی وارد میدان شد،

نهادهای دولتی، خودجوش به خیابان‌ها آمدند؛ حتی پیش از طلوع آفتاب و بدون سحری. مردم با حضوری خودآگاه و مسئولانه، مانع از پیوند و هماهنگی میان حلقه‌های مختلف نقشه دشمن شدند. هر چند برخی فراخوان‌ها، مانند دعوت دانشجویان دانشگاه تهران وجود داشت، اما آنچه تعیین‌کننده بود، فهم و درک عمومی مردم از هدف دشمن و اقدام به‌موقع آنان بود که برنامه دشمن را کاملاً بی‌اثر کرد.

اینکه برخی از فرماندهان و مسئولان ما نوشتند: «ما میدان را داریم، شما خیابان را داشته باشید.» را چگونه می‌توان تفسیر کرد؟ یا به‌طور کلی حضور مردم در خیابان چه تأثیری در بحث میدان دارد؟

حرکت در خیابان‌ها که عوامل دشمن شکل می‌دادند، می‌توانست آنها را به نقطه‌ای برساند که با خشونت وحشیانه، فضای کشور را ملتهب کنند و در میان مردم ایران ایجاد رعب و وحشت شود و دشمن بتواند با توان خود آن حرکت‌های خیابانی را تکمیل کند. این الگودر

دشمن در حلقه دوم سعی دارد با فعال کردن این گروه‌ها در داخل کشور و ربط دادن این عناصر به یکدیگر، فشار داخلی را افزایش دهد؛ اما درک بالای سیاسی ملت ایران، به‌ویژه در مقطعی که رهبر عظیم‌الشان ما، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای به شهادت رسیدند و کشور بدون رهبر، فرمانده سپاه، ستاد کل و وزیر دفاع بود، مردم با حضور گسترده خود در صحنه، تمام سناریوی دشمن را زمین‌گیر کردند.

باین حال، ملت ایران در روز شهادت رهبر، بدون هیچ فراخوان رسمی از سوی سازمان‌ها یا نهادهای دولتی، خودجوش به خیابان‌ها آمدند؛ حتی پیش از طلوع آفتاب و بدون سحری. مردم با حضوری خودآگاه و مسئولانه، مانع از پیوند و هماهنگی میان حلقه‌های مختلف نقشه دشمن شدند. هر چند برخی فراخوان‌ها، مانند دعوت دانشجویان دانشگاه تهران وجود داشت، اما آنچه تعیین‌کننده بود، فهم و درک عمومی مردم از هدف دشمن و اقدام به‌موقع آنان بود که برنامه دشمن را کاملاً بی‌اثر کرد.

دیگر مردم در برابرشان حضور نداشته باشند؛ از این رو بدون مزاحمت، حلقه نهایی کودتا را رقم زدند. ملت ایران این تجربه تاریخی را داشت. از این رو، پیش از هر دعوت رسمی، خود مردم آگاهانه وارد میدان شدند.

به نظر شما این جمله سومین رهبر معظم انقلاب که فرمودند: «شما مردم کشور را رهبری کردید» را می‌توان ذیل این حرکت خودجوش تعریف کرد؟

بله، مردم خود نقش رهبری را ایفا کردند؛ هیچ شورا یا مرکزی آنان را دعوت نکرد. من خود شاهد بودم که مردم، به‌محض آگاهی از وضعیت، خودجوش به خیابان‌ها آمدند. این حرکت، در واقع نوعی الهام بود؛ الهامی که از هدایت‌های رهبر شهیدمان گرفته بودند. ماه‌های آخر حیات پربرکتشان، رهنمودهایی به ملت دادند که کاملاً از سوی مردم درک شد. بنابراین در فقدان رهبری، با همان هدایت‌ها و راهبردها مسیر را ادامه دادند و توانستند دشمن را زمین‌گیر و ذلیل کنند. در همین حین، ماهیت کسانی که پیش از حمله نظامی دشمن دست به شرارت زده بودند و با نام گروه سیاسی، افراد سیاسی یا احزاب سیاسی بی‌بینه‌هایی صادر کرده و این شرارت‌ها را به مردم یا دولت نسبت می‌دادند، تا حد زیادی روشن شد. این بسیار مهم است که ما از مسائل اخیر تجربه اندوختیم و به نظر من، در فهم مسائل کلانی که دشمن علیه ما برنامه‌ریزی کرده بود، بسیار مجرب شدیم.



۶

دیدگاه

شماره ۱۱۳۰ | دوشنبه ۲۵ اسفند ۱۴۰۴

صداق

♦ **با توجه به وضعیت حساس جنگی و شهادت رهبر معظم انقلاب، نقش مجلس خبرگان در انتخاب رهبری بصیر و شجاع چون آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای چگونه بود؟**

اعضای مجلس خبرگان در کنار سه مسئولیت کشف و تعیین مصداق رهبری؛ نظارت بر رهبری؛ بررسی تداوم شرایط رهبری، به دو امر دیگر نیز مشغول هستند؛ مسائلی که مورد تأکید رهبر معظم انقلاب نیز بود؛ اول، رصد شخصیت‌هایی که در صورت فقدان یا فوت رهبری، یا به هر دلیل دیگری، شرایط رهبری را از دست دادند، باید مورد دقت قرار گیرد. این امر به منظور شناسایی کسانی است که در چنین زمان‌هایی می‌توانند جایگزین شوند تا مسیر ولایت ادامه یابد و نقصی در جامعه اسلامی و راهبری آن وارد نشود. حضرت آقا‌ها بر این نکته تأکید کرده‌اند. بنده به یاد دارم که در یکی از جلسات خبرگان، به ویژه در گفت‌وگویی که با کمیته خاص چند نفره داشتند، ایشان به «آستین مبارک» اشاره کرده و فرمودند: «به هر صورت شما باید چند نفر را در آستین خود داشته باشید برای آن لحظاتی که مورد نیاز است.» از این رو کمیته‌ها و کمیسیون‌های مجلس خبرگان، چه افرادی که نزدیک رهبری بودند و چه آنهایی را که اسمی از آنها مطرح می‌شد، دائم تحت نظر داشتند تا کسی را که شایستگی جدی برای رهبری جامعه دارد، انتخاب کنند؛ از این رو هر چند مجلس خبرگان با دو مسئله جنگ و فقدان ناگهانی رهبر معظم انقلاب رویبرو شد، اما خللی در عملکردش نمایان نشد و به یاری خداوند و عنایت حضرت ولی عصر(عج)، مجلس خبرگان مسیر خود را به سرعت و به طور کامل طی کرد و با تصویب قوانین داخلی، تشکیل جلسات حضوری و غیر حضوری، و جمع‌بندی مستندات کتبی، فرایندی کاملاً قانونی برای انتخاب رهبری صورت گرفت که هیچ شک و شبهه‌ای برای مردم و حتی دشمنان باقی نگذاشت. این انتخاب با رأی قاطع و در حداقل زمان ممکن انجام شد.

لازم است این نکته را یادآور شویم که بیانیه‌ها یا گفته‌ها که بر انتخاب تأکید داشتند، بیشتر جنبه درخواست و بیان نگاه عمومی جامعه را داشتند، نه اینکه اعضای مجلس خبرگان را به کوتاهی یا تأخیر متهم کنند. با توجه به این مسائل در این فرآیند، شخصیتی انقلابی، آگاه، مدبر، آگاه به زمانه، توانا، فقیه و عادل، بر اساس ویژگی‌های ذکر شده در قانون اساسی برای رهبری جامعه اسلامی، انتخاب شد که این ویژگی‌ها در شخصیت حضرت آیت‌الله العظمی سیدمجتبی خامنه‌ای تشخیص داده شد.

♦ **بیعت پرشور مردم در میدان انقلاب پس از اعلام خبر رهبری، چه پیامی را به دشمنان و حامیان آنها مخابره کرد؟**

واقع‌ایکی از مسائلی که این روزها به چشم می‌خورد و مورد اذعان بسیاری از شخصیت‌ها و تحلیلگران است، تحول روحی و آمادگی قلبی مردم عزیز و سرافراز ایران اسلامی است. کسانی که مانند بنده، دوران انقلاب را در نوجوانی، دوران دفاع مقدس را در جوانی، و سپس این مسیر پر فراز و نشیب حدود ۴۰ ساله را درک کرده‌اند، به صراحت می‌توان گفت که هیچ‌گاه چنین آمادگی و حضوری را از سوی مردم شاهد نپرده‌ایم. این همان تعبیری است که رهبر معظم انقلاب در سخنرانی‌های اخیر خود با عنوان «اتحاد مقدس» به آن اشاره کرده و آن را رمز پیروزی و رمز عملیاتی دانستند. این اتحاد مقدس، محوری اصلی است که مردم را با همه نگرش‌ها، تفکرات، منش‌ها، دسته‌بندی‌های فکری، عملی، رفتاری، فرهنگی و منطقه‌ای، از طبقات مختلف اجتماعی و سطوح علمی گوناگون، اعم از زن و مرد، و پیر و جوان گرد هم آورده است.

این یک اتفاق عظیم است. در کمتر دوره‌ای از انقلاب اسلامی شاهد چنین حضوری بوده‌ایم. گاهی راهپیمایی قدس و ۲۲ بهمن را می‌دیدیم و در سال‌های اخیر، فراز و نشیب‌هایی در مشارکت‌های اجتماعی مانند انتخابات مشاهده می‌شد. نگرانی‌هایی وجود داشت که آیا مردم در مواقع بحران و حساس، پای صحنه خواهند آمد و چگونه نقش خود را ایفا خواهند کرد. اما این حضور پرشور مردم و بیعت آنان، به ویژه پس از انتخاباتی متقن، واقعاً خیره‌کننده است.

♦ **جایگاه علمی و شخصیتی آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای را چگونه ارزیابی می‌کند؟**

صریح، شجاعانه وامیدآفرین

بررسی پیام آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی وافی

مجلس خبرگان در کنار سه مسئولیت کشف و تعیین مصداق رهبری؛ نظارت بر رهبری؛ بررسی تداوم شرایط رهبری، به دو امر دیگر نیز مشغول هستند؛ مسائلی که مورد تأکید رهبر معظم انقلاب نیز بود؛ اول، رصد شخصیت‌هایی که در صورت فقدان یا فوت رهبری، یا به هر دلیل دیگری، شرایط رهبری را از دست دادند، باید مورد دقت قرار گیرد. این امر به منظور شناسایی کسانی است که در چنین زمان‌هایی می‌توانند جایگزین شوند تا مسیر ولایت ادامه یابد و نقصی در جامعه اسلامی و راهبری آن وارد نشود.

با توجه به وقایع اخیر و شهادت رهبر معظم انقلاب، نقش مجلس خبرگان در انتخاب آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، معیارها و پیامدهای این انتخاب، و همچنین بررسی پیام‌های بیعت مردم و راه‌های حفظ انسجام ملی حول محور رهبری جدید از جمله نکات حائز اهمیت این روزهاست؛ از این رو مصاحبه‌ای را با «حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی وافی»، استاد حوزه و مدیر بنیاد بین‌المللی صحیفه سجادیه داشته‌ایم که در ادامه مشروح آن آورده می‌شود.



درباره خصوص جایگاه علمی و شخصیتی سومین رهبر معظم انقلاب چند نکته قابل تأمل است:

۱ **نسب و ارتباط با شجره طیبه:** انتساب ایشان به سلسله سیادت و شجره طیبه، نورانیت و معنویت‌ی را به همراه دارد که نباید دست‌کم گرفته شود. زمانی که مجموعه‌ای درباره شجره اساتید صحیفه سجادیه (سلسله راویان و مشایخ روایت آن) تهیه کردم، متوجه شدم که نام اجداد پاک ایشان نیز در این سلسله قرار دارد. این سیر پاک، معنویت و ظرفیتی را به همراه دارد که می‌تواند به راهبری امت کمک کند.

۲ **جنبه‌های علمی و اندیشه‌ورزی:** ایشان عالم جلیل‌القدری هستند. شاگردان و حتی علمای بزرگی که در مباحث فقهی، اجتهادی و تفسیری ایشان حضور داشته‌اند، شخصیت ممتاز وی را تأیید می‌کنند.

۳ **حضور در صحنه‌های مختلف:** اگر چه ایشان به دلیل اکراه و منع رهبر معظم انقلاب، در سمت‌های رسمی دخالت مستقیم نداشته‌اند، اما اشرافشان بر مباحث اجتماعی و فرهنگی، و همچنین مشورت‌ها و همفکری‌های ایشان با مسئولان ارشد نظام، به دلیل تدبیر، نظرات و آگاهی‌شان، بسیار راهگشا بوده و خواهد بود.

۴ **تقوا و زهد:** مرحوم آیت‌الله مجتهدی و دیگر نزدیکان ایشان، از تقوا، ورع، پرهیزگاری و زهد ایشان نقل می‌کنند. ساده‌بستی ایشان که در خانواده معنوی‌شان ریشه دارد، و فداکاری بخش مهمی از خانواده خود در راه اسلام و مردم، نشان از آمادگی معنوی، سلوک اخلاقی و پاکی ایشان دارد.

۵ **حمایت مسئولان و اندیشمندان:** اتحاد و هم‌نظر بودن مسئولان، اندیشمندان و دست‌اندرکاران نظام با ایشان، به پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و اهداف کلان نظام در عرصه جهانی کمک شایانی می‌کند.

۶ **نگاه به مردم و تعامل با اقشار:** ایشان هیچ‌گاه خود را از مردم جدا نکرده‌اند و همواره در میان آنان حضور داشته‌اند. تصاویری

که از حضور ایشان در راهپیمایی‌ها و فضاهای عمومی منتشر می‌شود، گواه این مدعاست و به ایشان کمک می‌کند تا پرچم انقلاب را سرافراز نگه دارند. همچنین، ایشان اهل تظاهر و خودنمایی نیستند و در بسیاری از موارد از حضور در مقابل دوربین‌ها و مصاحبه‌ها پرهیز کرده‌اند، که این نشان‌دهنده ملاحظات معنوی و شرعی ایشان است.

۷ **خدمت‌رسانی به محرومان:** ایشان با توجه به انتصاب و ارتباط با بیت رهبری و آشنایی با دغدغه‌های ایشان، در خدمت‌رسانی به اقشار محروم و فقیر و رسیدگی به کسانی که احساس می‌کردند صدای‌شان کمتر شنیده می‌شود، ملجأ و پناه بسیاری بوده‌اند. این جنبه از خدمات ایشان نیز نباید نادیده گرفته شود.

♦ **چگونه می‌توان از تداوم اتحاد ملی و انسجام حول محور رهبری حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای، به اهداف انقلاب اسلامی دست پیدا کرد؟**

نکته بسیار مهمی را مطرح کردید. ما مسیری را پشت سر گذاشته‌ایم، یک مقطع تاریخی مهم و حتی دوره گذار را طی کرده‌ایم و اکنون وارد مدار جدیدی در راهبری جهان امروز شده‌ایم. در این راستا، نوع تصمیماتی که برای آینده گرفته می‌شود، به‌ویژه در میان این تصمیم‌ها و حرکت‌ها، عزم ملی و اتحاد مردمی که بیش از پیش اهمیت خود را نشان می‌دهد، بسیار حائز اهمیت است. در این جهت، به نظر می‌رسد باید چند مورد را در نظر گرفت:

اول، حضور اندیشمندان و عالمان دینی، از جمله مراجع عظام و اعضای مجلس خبرگان. همانطور که در تمام این مدت به عنوان یک پشتوانه مهم در کنار این مسیر ایستاده‌اند و با بیانیه‌های خود، چه پیش از انتخاب و چه پس از آن، بیعت و نگاه ارزشمند خود را اعلام کرده‌اند، این حضور و عزم جدی در عرصه علمی می‌تواند به این جریان کمک کند. همچنین، زمینه‌هایی چون تبیین مبانی انقلاب اسلامی، برگزاری کرسی‌های آزاداندیشی، حلقه‌های نظریه‌پرداز و جریان تولید علم، به‌ویژه در میان نسل جوان بسیار کارساز است؛ اهمیت این موضوع را به عینه خود دیده‌ام.

دوم اینکه در روزهای کنونی، در عرصه بین‌الملل نیز مجموعه‌هایی داریم؛ از جمله وزارت امور خارجه، سفارتخانه‌ها، ریزن‌های فرهنگی در سراسر دنیا، مراکزی تحت اشراف مانند مجمع جهانی اهل بیت(ع)، مجمع تقرب مذاهب اسلامی، جامعه المصطفی (ص) یا سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی. همچنین، مؤسسات، سازمان‌های مردم‌نهاد و تشکل‌های مردمی که در حوزه بین‌الملل فعالیت می‌کنند را نباید دست‌کم گرفت. این مجموعه‌ها نیز باید به مسئولیت خود در ادامه راه واقف باشند و بدانند چگونه می‌توانند پیام این اتحاد و عزم ملی را منتقل کنند و در این قضیه همراهی کنند. همچنین، با وجود هیاهوهای رسانه‌ای و عملیات‌های شناختی در دنیای امروز، می‌توانند حمایت دیگران را جلب کرده و توجه‌ها را به نکات برجسته و واقعیت جامعه امروز ایران اسلامی معطوف سازند. این نیز مسئله و نکته مهمی در تداوم این حرکت است.

سوم اینکه من معتقدم امروز، علم در دست میدان نظامی است و حتی دیپلماسی، سیاست، فرهنگ و اقتصاد ما نیز در مسیر این میدان در حال شکل‌گیری است. حمایت میدان به پیشبر اهداف کمک می‌کند و جلوه‌هایی از ایشان، فداکاری، ایستادگی، مقاومت، یاری خداوند و نصرت الهی برای کسانی که در این راه ثابت‌قدم باشند، پدیدار می‌شود. آنچه در فضای علمی تصویر می‌کردیم و برای آن نیاز به تدارک صحنه داشتیم، امروز به تمام معنا در حال رخ دادن است. هر موشک، پهپاد، انتقام یا پاسخی که در برابر دشمن داده می‌شود و محکم به آنها مخابره می‌شود، می‌تواند به یاری سایر عرصه‌ها شتافته و آنها را ارتقا دهد. پرچمی که با سرافرازی برافراشته شده، توانسته است دیگران را در همه عرصه‌های پیرامون خود گرد آورد.

♦ **در پایان تحلیل شما درباره پیامی که حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای در روزهای گذشته ابلاغ کردند، چیست؟**

تحلیل بنده از پیام آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، شامل چند نکته کلیدی است. اولاً، این پیام به طور گسترده در سطح جهانی دریافت شد و موجب

خشنودی، امیدواری و دوجندان شدن انرژی مردم شد. آنچه در پی آن هستم، فراتر از نگرانی، امیدواری به این است که نخبگان، مسئولان، اندیش‌پورزان در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها، و تمام مجموعه‌هایی که در تبیین مبانی اسلام، انقلاب، و آرمان‌های امامین انقلاب و شهیدا مسئولیت دارند، توجه لازم را به این پیام مبذول دارند. به نظرم، در فرصت پیش آمده باید به بحث و تبادل نظر پیرامون تکنک جملات و بندهای این پیام پرداخته شود. هر چند ظرفیت رسانه‌ها را برای تبیین این پیام می‌بینم، اما هنوز شاهد استفاده کامل از این ظرفیت برای بحث و تشریح پیام نبوده‌ام. این پیام از پنج جنبه حائز اهمیت است:

۱ **صراحت:** به نظر من، برای ادامه راه به نوعی صراحت و صداقت نیاز داریم. در دنیای امروز، با چهره فریبکار، پر از جنایت و خیانت دشمنان، این صراحت و صداقت می‌تواند ذهن‌ها و قلب‌ها را تسخیر کند.

۲ **استحکام:** استحکام و قوتی که در کلمات این پیام دیدم، نشان‌دهنده عزمی راسخ برای مبارزه‌ای بی‌انته‌ا و درگیری تا رسیدن به پیروزی کامل و همه‌جانبه است. دنیا این را فهمید و به نظرم این نکته مهمی در پیام بود که برخی نگرانی‌ها و اضطراب‌های مردم را بر طرف کرد و آنها را در صحنه نگه داشت. این امر بسیار مهم است.

۳ **ادبیات و نگارش:** ضلع سوم که در این پیام کاملاً خود را نشان می‌دهد، جنس ادبیات و نگارش آن است. در بحث‌های حوزوی و دانشگاهی پیرامون نحوه نگارش این پیام و چینش واژگان، نکاتی را مشاهده کردم. مهم‌ترین آن این است که این پیام برگرفته از شخصیت خود رهبر عزیز است. نوشته‌ای که با روحیات و خصوصیات ایشان همخوانی دارد؛ چنانکه کسانی که با ایشان حشر و نشر داشته‌اند یا شاگرد ایشان بوده‌اند، اذعان دارند. این جنس از ادبیات و نگارش، حاکی از قوت علمی و توان ارائه دیدگاه‌های پیشروی انقلاب اسلامی در دنیای امروز است.

۴ **موضوعات مهم:** چهارمین نکته، تمرکز بر چند موضوع مهم در این پیام بود. به نظرم، محورهای اصلی در میان هیاهوها و حواشی گم نشدند. این توجه و فکر روشنی که ایشان در پیام داشتند، به محورهای اصلی مورد نیاز جامعه امروز و حرکت عظیم مردمی که شکل گرفته و همبستگی که میان مسئولان اتفاق افتاده، پرداخت. این خود به نوعی اتحاد را شکل داد و در آینده به عزم ملی کمک خواهد کرد.

۵ **شجاعت:** محور بعدی، شجاعتی بود که در این پیام نسبت به دشمنان انقلاب اسلامی دیده می‌شود. ما این جنس از شجاعت و شهامت را در واژگان و زبان این پیام مشاهده می‌کنیم. این شجاعت و شهامت که از سوی این شخصیت به جامعه تزریق شد، مورد نیاز ماست. طبیعتاً دنیا نیز این جنس از شجاعت و شهامت را درک می‌کند.

ضلع آخر که به نظرم بسیار مهم است، فراموش نکردن اتفاقاتی است که رقم خورده و فراز و نشیب‌هایی که بر پیکر این ایران اسلامی وارد شده است. به خصوص جنایت‌ها و خیانت‌هایی که دشمنان در حق این جامعه و ایران اسلامی انجام داده‌اند و خون‌های عزیزان‌مان که در نتیجه این جنایات جاری شده است. اهمیت این موضوع زمانی مشخص می‌شود که متوجه شویم ما در آینده با درگیری حقوقی و قانونی رویبرو خواهیم شد و به جنگ تمام ادعاهای پوشالی و دروغین آمریکا، رژیم صهیونی و غرب خواهیم رفت. با این حال امیدوارم که پیام رهبری بتواند کشورهای منطقه را متوجه حال خود کند و ما شاهد یک اتحاد، همبستگی و پیوستگی تاریخی در بین کشورهای منطقه برای رسیدن به صلحی منطقی و عادلانه باشیم، ان‌شاء‌الله.

۷

دیدگاه

شماره ۱۱۳۰ | دوشنبه ۲۵ اسفند ۱۴۰۴

صداقت

شبه‌ترین به امام شهید وشایسته‌ترین برای پیش بردن انقلاب

ابعاد شخصیتی و مدیریتی رهبر سوم انقلاب اسلامی، آیت الله سید مجتبی خامنه‌ای
در گفت‌وگو صبح صادق با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدعلی لیالی واکاوی شد

احسان بهاری

خبرنگار

تحلیل عملکرد مجلس خبرگان پس از شهادت امام خامنه‌ای، روند اداره کشور تحت رهبری «آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای»، ارزیابی نتیجه جنگ با مدیریت ایشان و همچنین شایستگی‌های علمی و معنوی آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای برای رهبری جامعه و تدبیر مدیریتی ایشان در حوزه مقاومت از جمله مسائلی است که به تبیین جدی نیاز دارد؛ از این رو برای روشن شدن این موارد به طور اختصاصی با «حجت‌الاسلام محمدعلی لیالی» جریان‌شناس و عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه مشروح آن آورده می‌شود.

نظر شما درباره عملکرد مجلس خبرگان

پس از شهادت امام خامنه‌ای چیست؟

فقدان امام خامنه‌ای ضربه سنگینی به ملت ایران وارد کرد و تصور چنین روزی برای مردم ایران دشوار بود. با این حال، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منزله متریقی‌ترین قانون اساسی، تمامی ظرفیت‌ها را برای چنین شرایطی پیش‌بینی کرده بود؛ از جمله سازوکار جانشینی رهبری در صورت بروز حادثه. پس از شهادت ایشان، شورای موقت رهبری تشکیل شد و سپس مجلس خبرگان رهبری، با وجود چالش‌های دوران جنگ، بمباران‌ها و فشارهای امنیتی، حماسه‌ای بزرگ خلق کرد و با انتخاب «حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای» به عنوان رهبر معظم انقلاب، کام ملت را شاد و ظرفیت قانون اساسی را تکمیل کرد.

اداره کشور به دست آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای را چطور برآورد می‌کنید؟

ایشان هم همانند پدرشان، با استمداد از خداوند تعالی و ائمه معصومین (ع) و امام زمان (عج)، کشور را هدایت خواهند کرد. اینکه امروز کشور دارای رهبر و فرمانده کل قواست و با صلابت در دوران جنگ اداره می‌شود، مسئله بسیاری مهمی است؛ این مسئله وحدت‌آفرین است. بنابراین لازم است که پس از تشکر از اعضای مجلس خبرگان، مسئولان قوا، مدیران لشکری و کشوری، سازمان‌ها، نهادها، احزاب، گروه‌ها، خواص و نخبان به دلیل بیعت با رهبری جدید، از مراجع عظام، حوزه‌های علمیه، فقها، مسئولان و عموم مردم که لیبک گفته و بیعت کردند، قدر دانی کرد. مهم‌تر از همه، رزمندگان اسلام و مجاهدان با رهبری جامعه، تجدید بیعت کردند. یقیناً این بیعت‌ها در اتحاد و انسجام جامعه تأثیرگذار خواهد بود؛ همین حضور شبانه مردم در میادین و خیابان‌ها، نشان از این همراهی و وحدت دارد. دولت نیز در حد توان مشغول اداره کشور است و با هماهنگی بیشتر، این دوران سخت را پشت سر خواهیم گذاشت و به قله‌های پیروزی دست خواهیم یافت.

نتیجه جنگ را با مدیریت سومین رهبر چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نکته‌ای که در وهله نخست باید اهمیت داده شود، این است که ما تابع فرمانده هستیم؛ از این رو تصمیم‌گیری در خصوص جنگ و صلح با امام جامعه است. ایشان با مشاوران امین خود، راهبرد کشور را در این زمینه تعیین می‌کنند. البته با توجه به آنچه در بیانیه اخیر ایشان آمده است، فریاد انتقام از سوی امام جامعه و ملت، نشان‌دهنده عزم جدی برای

مقابله با دشمن متجاوز است تا دیگر فکر تجاوز به این ملت، شریعت و اسلام را نداشته باشند. از طرفی هم این هماهنگی میان عرصه دیپلماسی و میدان، همواره وجود داشته و باید تداوم یابد.

نظر شما به عنوان یک متخصص حوزه علمیه درباره انتخاب آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای به عنوان رهبری جامعه چیست؟

برای پاسخ به این پرسش لازم است به طور خلاصه نکاتی از زندگی و همچنین جایگاه علمی ایشان را بیان کنیم تا درک این موضوع که ایشان شایسته‌ترین فرد برای رهبری بودند، بهتر درک شود. حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای، متولد ۱۳۴۸ در مشهد مقدس، نوجوانی و جوانی خود را با حضور در جنگ تحمیلی هشت‌ساله در لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله (ص) تهران گذراند. سپس در سال ۱۳۶۸ به قم هجرت کرد برای درس و بحث و از آن زمان تا اکنون، مشغول به درس، بحث، تحصیل و تدریس بودند. ایشان دروس خارج را از محضر علمای بزرگی، مانند مرحوم آیت‌الله شیخ جواد تبریزی، حضرات آیات عظام آیت‌الله وحید خراسانی، آیت‌الله زنجانی و بسیاری از بزرگان آموختند.

در میان ما طلبه‌ها، علامت اجتهاد این است که شاگرد بتواند تقریرات درس استاد را بنویسد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نگارش تقریرات دروس استادانی را که در بالا ذکر شد به عهده داشتند. در میان ما طلبه‌ها گفته می‌شود علامت اجتهاد و فقاقت این است که حاشیه داشته باشید؛ یعنی فقیه و یک مجتهد، زمانی فقیه و مجتهد است که بتواند بر کتاب عروه‌الوثقی مرحوم سید کاظم یزدی حاشیه بنویسد و حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای این تقریرات را دارند.

از طرفی هم بارها و بارها مراجع، فقها و بزرگان در علمیت ایشان شهادت دادند. آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای از سال ۱۳۷۴ در تهران در مدرسه مروی و مدرسه آیت‌الله مجتهدی تدریس داشته‌اند. از سال ۱۳۸۵ تاکنون هم در قم دروس خارج دارند.

به گفته شاگردان ایشان، بیش از هزاران نفر از شاگردی ایشان بهره‌مند بوده‌اند. در میان ما طلبه‌ها گفته می‌شود کسی که یک دوره درس خارج (سطح عالی حوزه) تدریس کند، به مقام فقاقت می‌رسد؛ خوب، حضرت آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای بیش از ۱۵ سال و تقریباً می‌توان گفت در حدود سه دوره درس خارج فقه داشته‌اند؛ از این رو اشراف کامل در مباحث علمی، فقهی، اصولی و مباحثی که به عنوان علوم حوزوی محسوب می‌شود، داشتند و دارند.

در خصوص ویژگی‌های اختصاصی ایشان نکته‌ای دارید؟

در کنار دروس علمی و صلاحیت علمی که مورد توجه خبرگان ملت، فقهای ملت و امنای ملت هستند، قریب ۸۰ نفر از فقهای ملت که مورد تأیید آنها قرار گرفت، ویژگی‌های اختصاصی در زمینه معنوی و اخلاقی و رفتاری هم ایشان دارند. حالا جدای از اینکه ذخیره الهی پس از شهادت امام شهید هستند و نزدیک‌ترین فرد به امام شهید بودند و بیش از ۵۶ سال تعلیم، تربیت، حیات، رشد، نبوغ، تحصیلاتش همه در کنار امام شهید بوده و جدا از اشراف علمی، در امور مدیریتی کشور هم اشراف دارند.

در هر حال، بودن در کنار امام شهید و مشاوره به امام شهید و واگذاری برخی از امور به آیت‌الله سید مجتبی حسینی خامنه‌ای نشان از اشرافیت بر امور و تدبیر و مدیریت ایشان است. از امام شهید نقل شده است که «سید مجتبی خامنه‌ای نزدیک‌ترین فرد بنده است» که گواه این است که ایشان در امور تسلط دارند.

جمهوری اسلامی ایران

نمونه‌ای از تدبیر مدیریتی ایشان سراغ دارید؟

بله همین ارتباط ایشان با جریان مقاومت؛ شاید کمتر بدانیم یا ندانیم که بعد از پیدایش جریان مقاومت، مسئولیت پرونده مقاومت از طرف امام شهید به سید مجتبی حسینی خامنه‌ای واگذار شده بود. او بود که با جریان مقاومت در عراق، در لبنان، در یمن و سایر مکان‌هایی که جریان مقاومت حضور داشت، ارتباط داشتند. ارتباط ایشان با فرماندهان نظامی سپاه قدس و شهید حاج قاسم سلیمانی و دیگران نشان از اشراف بر جریان مقاومت و تحولات منطقه دارد.



۸

دیدگاه

شماره ۱۲۳۰ | دوشنبه ۲۵ اسفند ۱۴۰۴

صداق



حسن نوروزی

دبیر گروه سپاه



جنگ امروز، نظم جهانی را دگرگون می کند

پساجنگ در گفت و گوی صبح صادق با نخستین فرمانده سپاه ترسیم شد

در روزهایی که گرد و غبار جنگ اذهان را به خود مشغول کرده و زمزمه های پیروزی و شکست را در هم تنیده است، به گفت و گو با «جواد منصوری» نخستین فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نشستیم تا به دیدگاهی نو از تعریف پیروزی و شکست برسیم. این مصاحبه نه تنها اهمیت استقلال نظامی و بومی سازی تجهیزات در دوران پس از انقلاب را تبیین می کند، بلکه با نگاهی واقع بینانه به تحولات میدانی، بر ضرورت هوشیاری و آمادگی دائمی در برابر دشمن تأکید می کند و از نقش بی بدیل مردم در حفظ نظام و خنثی سازی توطئه ها سخن می گوید که در ادامه مشروح آن آورده می شود.

جناب منصوری! یکی از آینده نگری های انقلاب اسلامی، استقلال در تجهیزات نظامی و بومی سازی آن در سال های پس از انقلاب بوده است؛ در زمینه اهمیت این موضوع توضیح می دهید.

در جریان انقلاب اسلامی، یکی از شعارهای اصلی و بسیار مهم برای ما، که موجب خشم شدید دنیای استکباری نیز شده، «بحث استقلال» است. استقلال واقعی برای کشورها در برابر نظام سلطه بسیار سنگین تمام می شود، زیرا اساس قدرت آنها بر وابستگی دیگر کشورها بنا شده است. بنابراین، اگر کشوری مستقل باشد، مسلماً برای نظام سلطه هزینه سنگینی دارد.

از سوی دیگر، اگر هر کشوری از جمله ما بتواند در مسئله استقلال به معنای واقعی آن موفق شود، می تواند الگویی برای دیگران باشد و همین امر موجب نگرانی شدید نظام سلطه است. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش کرده ایم تا حد ممکن شرایط و لوازم استقلال را فراهم کنیم و تا اندازه ای نیز موفق بوده ایم؛ اگر چه باید تلاش بیشتری برای قطع وابستگی به دیگران حتی دوستان انجام دهیم. این تصور که اگر با دولتی روابط دوستانه داریم، وابستگی به آن ایرادی ندارد، اشتباه است.

هر چند در سال های پس از انقلاب در زمینه استقلال کشور دستاوردهای زیادی داشته ایم، ولی باید همچنان برای استقلال بیشتر بکوشیم. استقلال در حوزه امکانات، تجهیزات و فناوری های دفاعی، امنیتی، اطلاعاتی و نظامی، اهمیت بسیار بیشتری در مقایسه با سایر بخش ها دارد، زیرا بسیاری از کشورهای جهان در این زمینه وابسته اند. از همین رو، نظام سلطه غرب از استقلال ما در این حوزه ها به شدت خشمگین است. کسانی که پس از انقلاب در این عرصه تلاش کرده اند، حق بزرگی بر گردن ما دارند و باید این مسیر را با قدرت ادامه دهیم. اگر در این زمینه توفیقات بیشتری کسب کنیم، می توانیم به ملت ها و دولت های دیگری که خواهان استقلال هستند، نیز یاری برسانیم.

دشمن با گذشت بیش از ده روز از جنگ پالس های از شکست ارائه می دهد، آیا از این اخبار و نظراتی که می دهند می توان برداشت پیروزی کرد؟ این در حالی است که دشمن می خواست ظرف حداکثر ۴۸ ساعت کار ایران را یکسره کند.

درست است که دشمن اظهار نظرهایی می کند که نمایشی از شکست است؛ اما با این حال، همه مدیران کشور در هر حوزه ای باید خود را برای «سخت ترین، پیچیده ترین و بدترین شرایط ممکن» آماده کنند. هرگز نباید تصور کنیم دشمن دچار سردرگمی، اشتباه محاسباتی یا ضعف شده است. باید بسیار جدی فکر کنیم که دشمن همچنان سرسخت است، قصد سلطه دارد و در حال پیشروی است. ما باید



به صراحت تأکید کرده اند که مردم باید در هر حال در صحنه باشند؛ اجتماعاتی که در دو هفته اخیر شاهد آن بوده ایم، بسیار عظیم و مهم است و به نظر من هیچ کس نمی تواند در برابر چنین مردمی کاری از پیش ببرد. چنین مردمی حتی با رفتن مسئولان یا رهبرشان، مسئولیت خود را تمام شده نمی دانند و کار نظام را پایان یافته فرض نمی کنند.

به نظر شما این حرکت خودجوش نشئت گرفته از چه تفکری است؟

این حرکت از دل مردم شکل گرفته است. مردم هرگاه ببینند قرار است به دین اسلام آنان خطری یا تهدیدی وارد شود، وارد میدان می شوند. هنگام رحلت امام (ره)، بسیاری در داخل و خارج از کشور معتقد بودند که با فوت امام جمهوری اسلامی از هم می پاشد؛ اما تشییع پیکر امام همه را شگفت زده کرد. ازدحام عظیم مردم نشان داد که حقیقت چیز دیگری است. یادم هست وزیر خارجه هند در جریان تشییع جنازه امام به تهران آمده بود. آن زمان من معاون وزیر خارجه بودم و میزبان او. از مصلاهی تهران با هلیکوپتر به بهشت زهرا رفتیم. از بالا که جمعیت را دیدیم، وزیر هندی مدام می پرسید: «این همه مردم برای چه آمده اند؟ به دستور چه کسی آمده اند؟ از کجا آمده اند؟ چه اتفاقی افتاده؟» به او گفتم: «این مردم آمده اند تا بگویند برای اسلام آمده ایم؛ برای حفظ نظام. این شخص رهبر ما بود، از دنیا رفت، با عزت و احترام تشییع می کنیم و رهبر بعدی را نیز با تبعیت می پذیریم.» مردم در آن زمان نیز با حضورشان می گفتند: ما به خاطر اسلام آمده ایم؛ در جریان هفتم تیر ۱۳۶۰، هشتم شهریور یا مثلاً دو سه سال پیش، در راهپیمایی ۲۲ بهمن، خانمی پلاکاردی در دست داشت که روی آن نوشته بود: «مسئولان به خود نگیرید، ما به خاطر اسلام آمده ایم.» البته باید توجه داشت وقتی از «مردم» صحبت می کنیم، منظور همه مردم نیست، بلکه اکثریت آگاه و مسئول اند؛ کسانی که خود را موظف به حضور در صحنه می دانند. مردم امروز درک کرده اند که وضعیت حساس است. حتی کسانی که شاید به ندرت در مراسم ها شرکت می کردند، امروز حضور مستمر دارند، چون می دانند باید در صحنه باشند تا دشمن بفهمد که مردم از نظام فاصله نگرفته اند.

انقلاب اسلامی یکی از ویژگی های بی نظیر خود را در نقش واقعی مردم دارد. مردم در انقلاب اسلامی نقش موقت یا مقطعی ندارند، بلکه نقشی ماندگار و تعیین کننده دارند. از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، حضور مردم بسیاری از طرح ها و برنامه های دشمن را با شکست مواجه کرده است. مثالی می زنم؛ در هفتم تیر ۱۳۶۰، فاجعه ای بزرگ برای کشور رخ داد و بیش از ۷۰ نفر از مسئولان درجه اول کشور در یک اقدام جنایتکارانه به شهادت رسیدند. همان زمان آمریکا و گروه های ضدانقلاب داخلی گفتند «کار تمام است». بنی صدر گفت: «رتوس نظام قطع شد، کار نظام تمام است.»

اما تنها دوروز بعد، در نهم تیر، مردم با حضور باشکوه در تشییع شهدای هفتم تیر کاری کردند که دشمن را به حیرت انداخت. اصلاً تصور نمی کردند حضور مردم چنین تأثیری بگذارد. جمعیت عظیم، شعارهای پرشور و اینکه بلافاصله مدیران شهید جایگزین شدند، همه چیز را دگرگون کرد. در جریان جنگ هشت ساله هم همین حضور مردمی نقش اساسی داشت و موجب شد معادلات دشمن بارها و بارها بر هم بخورد.

تا امروز، حضور مردم در شهرهای گوناگون - اعم از راهپیمایی ها، مشارکت در سازندگی، کمک به یکدیگر و اداره امور کشور - قطعاً محاسبات، طرح ها و توطئه ها را خنثی می کند. چون اساس تمام این توطئه ها بر این فرض است که مردم از نظام فاصله بگیرند، کمک نکنند، حمایت نکنند و در برابر رژیم منفعل شوند. آتش سوزی ها، ترورها و جنگ رسانه ای هم دقیقاً در همین راستاست تا مردم را بترسانند و از نظام جدا کنند. حضرت امام (ره) در وصیت نامه شان

تصور کنند که دشمن ضعیف شده یا از میدان خارج است؛ این طور نیست. من از ابتدای انقلاب همواره این شعار را داده ام که مدیران باید خود را برای سخت ترین، پیچیده ترین و دشوارترین موقعیت ها آماده کنند، هر موقعیتی که باشد.

با این دیدگاه می توان گفت نباید برای پایان جنگ زمانی تعیین کرد؛ بلکه باید با تمام قدرت جنگید تا دشمن دست از جنگ بکشد! درست است؟

اصلاً امکان ندارد کسی پایان جنگ را دقیق تعیین کند. پایان جنگ بستگی به اتفاقات دارد. مگر در جریان جنگ هشت ساله توانستیم پایانش را پیش بینی کنیم؟ هشت سال طول کشید. اکنون نیز نمی دانیم چقدر ادامه خواهد داشت؛ اما باید خود را برای جنگی طولانی آماده کنیم. این جنگ، مانند جنگ های معمول دنیا نیست؛ جنگی است که تمدن و نظم جهانی را دگرگون می کند، نظام سلطه را به چالش می کشد. اگر آنها در این جنگ پیروز شوند، دنیا به شکلی دیگر خواهد بود و اگر شکست بخورند، باز هم جهان به گونه ای متفاوت شکل خواهد گرفت. بنابراین، برای ما جز پیروزی پایانی وجود ندارد، و باید با جدیت جنگ را ادامه دهیم. البته از نظری می توان گفت پایان جنگ زمانی است که دشمن کاملاً نظرات ما را بپذیرد، تسلیم شود یا عقب نشینی کند. اما اینکه بگوییم «می خواهیم جنگ را تمام کنیم»، مشخص نیست که لزوماً به نفع ما باشد.

در این میان یکی از اقدامات خودجوش مردمی همین تجمعات و راهپیمایی هاست؛ درباره اهمیت این حرکت و ارتباط آن با میدان توضیحی می دهید؟

«قاطعانه در برابر او بایستیم.» در روزهای اخیر برخی سخنان شنیده می شود که به نظر می رسد اشتباه است و نباید چنین اندیشه ای حاکم شود؛ نباید تصور کنیم که میان دشمنان اختلاف افتاده یا امکانات شان کاهش یافته یا از شروع جنگ پشیمان شده اند. چنین تصورات و سخنانی اشتباه است. ما باید با اطمینان بگوییم دشمن همچنان فعالانه و با تمام توان علیه ما می کوشد. اگر موفق نشود، بسیار خوب؛ اما اگر ما دچار اشتباه شویم، آسیب خواهیم دید. چنانکه در گذشته نیز این اشتباهات را داشته ایم و باید از تکرار آنها پرهیزیم.

درست است که رزمندگان ما با تمام توان در مقابل دشمن ایستاده اند و این روحیه را به مردم داده اند؛ اما نباید این احساس پیروزی موجب کاهش فعالیت و ایستادگی آنان شود؛ باید به مردم روحیه بدهیم؛ در این میان مکن است دشمن حرف هایی بزند، اما باید حواسمان جمع باشد و خودمان فریب حرف های خودمان را نخوریم. ما می گوییم جنگ را تمام می کنیم، ما پیروزیم، ما موفقیم و شما شکست می خورید؛ این ممکن است شعار باشد، اما باید دقت کنیم که در صحنه عمل و اقدام، هرگز نباید چنین تصویری داشته باشیم. این طرز فکر بسیار خطرناک است؛ چرا که تا آخرین لحظه جنگ باید چنان وارد میدان شد که گویی اگر لحظه ای سهل انگاری کنی یا مشغول شادی پیروزی شوی، دشمن تو را شکست دهد.

منظور بنده در کل این است اگر خبرنگار، مجری، مداح یا سخنران بگوید ما می زنیم، اشکالی ندارد؛ اما مسئولان باید بگویند: «بحث ما بسیار سخت است، مشکلات فراوان است و باید جدی باشیم.» هرگز نباید چنین

۹ دیدگاه شماره ۱۱۳۳۰ دوشنبه ۲۵ اسفند ۱۴۰۴ صراط

صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول: عبدالله جوانی سردبیر: علی حیدری

شورای سیاست گذاری:

سیامک باقری، سعیدالله زارعی، عزیز غضنفری، مهدی سعیدی، فتح الله پریشان، علی قاسمی، حسین عبداللہی فر، رضا صامی زاد دبیر تحریریه: سید فخرالدین موسوی نگارش و ویرایش: محبوبه حاجی آقایی صفحه آرا: علی اکبر هدایتی عکاس: حامد کردوزی ناظر چاپ: سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۶ تلفن: ۰۲۱)۷۷۴۶۰۱۰۰ و ۰۲۱)۷۷۴۶۰۱۰۰ basirat.ir @sobhesadegh_fa شماره: ۷۷۴۸۴۲۶ سامانه پیامک: ۳۰۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۲۳۰ | دوشنبه ۲۵ اسفند ۱۴۰۴

کتاب

مولای عشق

به بهانه اولین پیام

امام سید مجتبی خامنه ای

این صدای کیست؟ می آید ز اعماق وجود باید آن را با دو گوش آسمانی آزمود می نشیند بر دل عشاق صادق، در جهان فطرت بیدار می گوید خدایا این که بود؟ این صدای دلنواز رهبریم، سید علی است بر روان پاک او، باشد از این امت درود همچنان با ماست، روح پاک او در زندگی با کلام مجتبی، دارد به عالم، رهنمود رهبر برنای من، پرورده دست علی است دور باد از رهبر فرزانهام، چشم حسود ضربه فنی می کند، او کجروان پست را تا بداند خود سر دیوانه ای حد و حدود می رسد از حضرت صاحب زمان، امدادها یار ما باشد، در این عالم خداوند ودود چشم بیدار حقیقت بین، هدایت می کند فطرت بیدار، حتما کار ایران می ستود می کنم تقدیم، این اشعار، بر مولای عشق گر قبول افتد «فرانی» بر شهیدان این سرود **عبدالمجید فرانی**

به میدان بیایید مردم

خیابان خیابان خیابان خیابان به میدان بیایید مردم به میدان میدا که از شیر خالی شود شهر که آن گرگها تیز کردند دندان به دست ممصم، بگیرید پرچم به دست شما مانند چشم شهیدان کمین کرده دشمن به هر کوی و برزن که جمع شما را ببیند پریشان کمانی چو آرش بیارید مردم به هر کوی و برزن، کمین کرده شیطان حماسی بیایید مردم! حماسی رجز خوان بیایید مردم! رجز خوان شما قوت قلب رزمندگانید شما بیاید سبیل و فتاح را جان دریغ است ایران که ویران شود... آه... دریغ است ایران، دریغ است ایران شما را چه پاک است از بمب باران؟ بیایید «ان تَنْصُرُوا اللَّهَ...» بر لب که یاری شوید از خداوند قرآن شب قدرتان در حضور است اینک به میدان بیایید مردم به میدان

میلاد عرفان پور

داستان

ما اینجاییم

می چرخد، زن ها پشت به پشت هم ایستاده اند؛ بی صدا، پیوسته، مثل ریشه هایی که آرام، اما عمیق، زمین را می گیرند.

رج به رج حماسه

سیده مریم گلچمن لباس پوشیدیم، هر کس قرآن جیبی اش را گذاشت توی کیف و رفت دم در. صدای سلام و علیک همسرم با چند نفر را شنیدم. در حیاط باز شد. برادرم با خانواده اش آمدند داخل. اووفی کشیدم و توی دلم گفتم: «چه وقته مهمونیه خب؟»

سلام علیک کردیم و برگشتیم توی خانه. بساط پذیرایی را یکجا آماده کردم و گذاشتم جلویشان که مدام بلند نشوم. روی روی تلویزیون نشستیم بچه ها مشغول بازی شدند و مردها گرم صحبت.

من و همسر برادرم هم کتاب مفتاح را باز کردیم و با مراسم حرم مطهر حضرت معصومه (س) خط به خط جوشن کبیر را زمزمه کردیم. فراز نود ناگهان مرد چهارشانه ای توی قاب تلویزیون سبز شد. عکس سیدمجتبی خامنه ای را روی مردم توی صحن گذاشت. یک نفر بلند شد و فریاد زد: «ابالفضل علمدار، خامنه ای نگهدار.»

همه به هم نگاه کردیم. بی اختیار زدم زیر گریه و گفتم: «یا حسین، یکی بگه راسته. یا خدا.» دخترم با خنده پرید وسط حرفم و گفت: «مامان سیدمجتبی رهبر شد. آقا سید مجتبی...»

همسرم مثل قرقی پرید توی حیاط و بلند فریاد زد: «الله اکبر، خامنه ای رهبر.» همگی پای برهنه ریختیم توی حیاط و آنقدر بلند طوری که همسایه ها همراهمان شوند فریاد زدیم. صدای همسایه ها یکی یکی بلند شد، اما فاصله

اذیت مان می کرد. خانه های روستا بزرگند اینطور به جانمان نمی نشست، باید کنار هم می ایستادیم و فریاد می زدیم. رفتیم توی کوچه. همسرم بلند گفت: «الله اکبر ولله الحمد...» صداها نزدیک و نزدیکتر شدند. همه آمدند. کوچه کم کم شلوغ شد و به همدیگر تیریک می گفتند. بچه ها مدام تکرار می کردند: «ابالفضل علمدار، خامنه ای نگهدار!» توی دلم گفتم: «دیدید چی شد؟ نه زورشون به رژیم مون رسید نه به شعارامون...»

برگشتیم توی خانه. گوشی را روشن کردیم. توی همی کانال ها و استوری ها عکس رهبر جدیدمان بود. سیمای دلربایش را خوب نگاه کردم. همه غمی که داشتیم به یکباره از دلم کنده شد، بس که شبیه پدرش بود. انگار این رسم شباهت مجتبی ها به علی ها، تا ابد پا برجاست. چه زیبا تاریخ تکرار شده بود.

معلوم بود که پرچم حق بر زمین نمی ماند. دفتر چه خاطرات مهمم را باز کردم و نوشتم: «به نام خدای خامنه ای سومین رهبر امت انتخاب شد. تا الان آمریکا قدرت موشکی ما را دیده بود، اما از الان قدرت تصمیم گیری بزرگان ما را می بیند. مردک حرامزاده مثلا می خواست ولی برایمان تعیین کند، اما او روح حماسه شهید را ندیده بود. پرچم به دست علمدار ما سپرده شد و با اینکار مشت محکمی به پوزه ترامپ بی شرف کوبیدیم. به آمریکا ثابت کردیم نه توانستند مانع شلیک موشک هایمان شوند و نتوانستند در استقلال و اراده ملی ما خللی ایجاد کنند.»

سجاده را پهن کردم و سجده شکر به جا آوردم.

پدرم را از دست دادم!

الهه صادقی «۲۳ خرداد ۱۴۰۴» روز شروع جنگ دوازده روزه، چهلم پدرم

بود. درد فراق پدر کم نبود که غم وطن هم به آن اضافه شد. حالا در چهل و چند سالگی، دوباره دختر بچه ای شده بودم که بی پناه اشک می ریخت و از همه پدرش را طلب می کرد. روزهای عجیبی بود. گلی گم کرده بودم که در به در و خانه به خانه به دنبالش می گشتم. در چهره هر مرد مسنی چهره پدرم و کلامش را جستجو می کردم. تا بتوانم لحظه ای آرام و قرار بگیرم.

سراغ دل بستگی هایش رقمم و من هم دل بسته آن ها شدم. کتاب هایش، گلدان هایش، ماشینش، مادرش، مادرم و... اما این بین عشقی داشت که من هیچ از او نمی دانستم. آقا! پدرم همیشه ارادت خاصی به آقای خامنه ای داشت.»

به اینجای صحبتش که رسید دیگر نتوانست بغضش را قوت دهد، اشک هایش سر ازیر شد. این مکالمات بین ما در هیتتی گوشه خیابان، اولین شب قدر و نهمین روز از جنگ رمضان شکل گرفت؛ بین من و او که به اندازه جوشن کبیری کنار هم نشستیم بودیم.

اشک هایش را پاک کرد و ادامه داد: «تا زمانیکه پدر بود زهرای از ارادت پدرم را به آقا درک نکردم. نبود پدرم تلنگری شده بود تا بروم و بیشتر بشناسمش. حالا آنی که در جستجویش بودم را پیدا کردم. او حضور داشت و من این همه سال نداشتمش. حالا بعد چهل روز دوری پدر، قلبم آرام گرفت، پدرم برایم دوباره زنده شد. درد دوری فراموشم شد. چند ماهی این عشق را در قلبم پروراندم. قطره قطره وجودم را به پایش ریختم. دل بسته تمام کسانی بودم که دل در گرو او داشتند. ممنون دار پدرم بودم که برایم چنین عشقی را میراث به جا گذاشته بود. تا یکشنبه ۱۰ اسفند ۱۴۰۴ من دوباره یتیم شدم.»

به اینجای گفتگو که رسیدیم هر دوی تاب اشک می ریختیم. به درد مشترکی رسیدیم که شب و روزمان را به هم دوخته است. جوشن کبیر تمام شده بود. در حال و هوای خودمان بودیم که در میان جمعیت همه های راه افتاد. سخنران پشت میکروفن رفت و بدون مقدمه شروع به خواندن متنی از روی موبایلش کرد. گوش تیز کردم تا بفهمم جریان چیست. برای چند لحظه همه ساکت شدند.

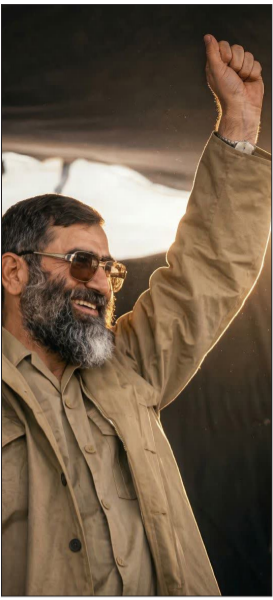
آیت الله سیدمجتبی حسینی خامنه ای (حفظه الله) بر اساس رای قاطع نمایندگان محترم مجلس خبرگان رهبری به عنوان سومین رهبر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، تعیین و معرفی شد.

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی آن شب قدر که این تازه برانم دادند اشکمان با لبخند یکصدا شد. غم و شادی، درد و شور در هم آمیخته شد و تبدیل به فریاد شد. هم صدا با جمعیت بلند فریاد زدیم: «لبیک یا خامنه ای!...»

چه تکرار شیرینی!

غیر رسمی

آیات نصر



رهبر شهید انقلاب در دیدار اعضای کانون پرورش فکری سال ۱۳۷۷ فرمودند: «امروز بحمدالله این استقلال، این شجاعت و این ایستادگی در مقابل زورگویی استکبار جهانی، مخصوص این ملت و این کشور است و همین است که استکبار را نسبت به این کشور و این ملت، دچار حقد و بغض کرده است. اما من این را عرض کنم؛ این هم ناشی از وعده الهی است که حقد و بغض استکبار، هیچ کاری نخواهد توانست بکند؛ «انتم الاعلون و همین مؤمنین.» قرآن کریم در دو جا می فرماید: «و لاتهنوا و لاتحزنوا»، «فلاتهنوا و تدعوا الی السلم» هرگز از مواضع خودتان پایین نیایید و در مقابل دشمن احساس ضعف نکنید. او که بنای کار را بر دروغ و فریب و زورگویی گذاشته، ضعیف است؛ اما شما که به خدا متکی هستید، قوی هستید.»

حسن ختام

پناه امن دل های شکسته!

سلام از سحرهای رازآلود رضانی که به قلبمان لشکر اندوده تا نفس داشت تاخت. سلام از لحظه لحظه تلخ و داعی ناتمام بسا پدری که رفتن کمرشکنش را تاب نیاوردیم و چیزی جز استغاثه های سحر قلبمان را آرام نکرد. در شبهای روشن قدر، برای شکستن این بغض سنگین و نفس گیر، خودمان را به جمکران تان رساندیم؛ همانجا که نشانه های حضورتان پررنگتر است. روی روی آن مسجد خوش نقش و نگار دیدگان ترمان را به آن گنبد فیروزه ای بی مثال دوختیم و همانجا شکستیم. این روزها و شبها همه توانمان را جمع کرده ایم و با تمام وجود و از اعماق جان و قلبمان، آمدن تان را تمنا می کنیم. همین شبها پناه این دلشکستگی هاست! نگاهتان به همه وجودمان رنگ می بخشد. ما منتظران خسته با قلبی از همیشه شکسته تر غم بزرگمان را در سینه پنهان کرده و خشم بی مثالمان را بر سر دشمنان علی و آل علی روانه می کنیم.

قوت و توان بازوهایمان نام جدتان و نگاه گرم تان است. مدد برسائید برای انتقامی سخت، همان انتقامی که زمینه ظهورتان را رقم می زند و ما را نجات می دهد از این غمی که واژه ای برای توصیفش نداریم.

